میکرو فیلم تهیه شد - ۲۳۸۹۰ -
۱۳۸۶/۴/۱۰

آستان قدس

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

نام کتاب مسلک الامام (ع) فی سلامة الاسلام

مؤلف متن علی النجفی الحسینی شهر* محشی

شارح مترجم

تاریخ تحریر نوع خط نستعلیق تعداد سطر ۱۵

جزء کتب زبان فارسی عدد اوراق ۴۶

طول ۱۶/۱ عرض ۱۰/۸ شماره عمومی ۲۳۸۹۰

وقفی علیرضا صدر لاهیجانی تاریخ ۱۳۷۶/۲/۱۸ وقف خریداری

ملاحظات کاغذ فرنگی، جلد مقوا

* در صدر نسخه واقف نوشته است که تألیف شیخ محمد علی ملقب به صدر المتألهین لاهیجی است که بنا به مصلحت بنام مستعار یکی از علمای نجف ذکر شده است

۴۵

مسلك الامام

[illegible]

في

[illegible]

سلامة الاسلام

تأليف

يكي از مجتهدين عظام نجف

باداره روزنامه شمس براى طبع فرستاده اند

(اسلامبول)

مطبعه شمس — روبروى بابعالى نمره ٧٢

(١٣٢٨)

تالیف مرحوم شیخ محمد حسین
ملقب به صدر العلماء لاهیجی
در زمانه مشروطه با نام مستعار یکی از
علمای نجف نوشته است

بسم الله الرحمن الرحیم

دین مبین اسلام را اگر کسی احاطهٔ تمام مزایا و احکام مقدسهٔ
او داشته باشد و فلسفهٔ او را چنانچه شاید و باید بداند
خواهد فهمید که آن روزیکه این دین شریف جامع یگانه
افق تاریک عالم را روشن کرد و از زمانیکه این دین حنیف
از مشرق علم و دانائی شارع مقدس تابان گردید
اثر در معنا عالم رو بترقی گذاشت . و خواهد فهمید که اساس
و بنیان ترقیات محیرانهٔ عالم کنونی همان روز بدست
همین دستور یزدانی و یگانه وخشور آسمانی نوشته شد
بیانات مزایای اسلامیه و شمردن خواص بیشمار آن
آئین پاک خارج از موضوع ما بوده و خود یک موضوع

مهمی

مهمی داشته و گنجایش این مختصر را ندارد . ولی مطلبی که
اینجا قابل ذکر است آنست که علایق و روابطی که ملت ایرانی
و عنصر یگانهٔ اسلامیان با پیشوایان و علماء خود در این عصر
ترقی دارند وادار داشت که این مختصر را بنگاریم . نه تنها
ملت ایران بلکه نزدیک بصد و بیست کرور شیعه علمای
خود را نمایندهٔ ائمهٔ دین و بیان کنندهٔ احکام شرع میشناسند
معنی اجتهاد علما و پیروی کردن همهٔ این چندین کرور
و تبعیتشان بر علمای اعلام یکی از علایق و روابط اسلامیان
خصوص ایرانیانست . و این علاقه و مسئلهٔ اجتهاد خود
یک نکتهٔ بزرگی است بسیار مهم و بس نافع . طوریکه باعتقاد
بزرگان و دانایان این عصر این مسئله را سبب احیاء دین
اسلام و بقا و برتری اسلامیان می پندارند . این امر
طوری است که اگر علما و مجتهدین هر عصر سوء استعمال نکرده
و در اخلاق و عادات و اطلاعات راهی را که پیشوایان

آئین اسلام پیش گرفته بودند اینها هم پیش بگیرند و مثل آن بزرگواران
با ملت اسلامیه رفتار نمایند گذشته از اینکه شیوع تام
در اسلامیت میشود خود اسلامیان را از همه گونه آفات انقراض
و اضمحلال و مخاطرات خانمانسوز نفاق نگه میدارند . و در هر عصر
بهر درجه از ترقیات که شایستهٔ آنعصر است میتوانند برسانند
و همین نکتهٔ بزرگ و سیاست مهم دینی امریست که در میان
ملل دیگر عالم متصور نبوده و نیست . الغرض روابط دینی
ملت ایران با علماء و پیشوایان خودشان نه یکی و دو تاست
و حق واقع هم این است که علماء حقهٔ اسلام نگهدارندهٔ اساس
شریعت و ما به القوام اسلامیت هستند . و تکلیف
مسلمین هم این است که علما را معظم و محترم شمرده وجود
ایشان را مغتنم دانسته و اطاعت آنان را اطاعت خدا
و رسول بدانند . اخبار و آثاری که در فضیلت و علو
شأن علماء وارد است فزون از شمار و احصاست .

چنانچه

چنانچه فوت یکنفر عالم اسلامی را پیشوایان دین مبین علیهم الصلواة
والسلام ثلمهٔ بزرگ فرموده بطوریکه حیات استقلال اسلامیه را
بسته بحیات ایشان فرموده اند و در اثر دیگر ورثة الانبیاء
نامیده و در بعضی دیگر رد بر آنها را رد بر ذات مقدس الهی
و رد بر خود حضرت ختمی مرتبت علیه الصلواة والسلام فرموده اند
ولی چیزیکه در اینجا گفتنی است و باید از نقطهٔ نظر اسلامیت
فهمید و گفت اینست که بدانیم و بفهمیم که مراد از علماء اعلام
و حافظین اسلام که باین درجه تعظیم شأن و تکریم مرتبت
در آثار اسلامیه شده چه کسانی و کدام ذواتی هستند که
شارع مقدس آنها را ورثهٔ انبیا شمرده و حضرت حجة منتظر
علیه صلواة الله الاکبر ایشان را نواب عام خود تعیین
فرموده اند . حالا لازم است که اول بفهمیم و ببینیم که
وظیفهٔ خود نبی ص و امام ع و حقوق آنحضرات نسبت بامت
اسلامیه چه بوده و چه تکلیف داشته تا اینکه وظیفهٔ نواب
و ورثهٔ ایشان معین گردد .

بدیهی است که نبی و امام عقلاً و شرعاً و سیاستاً باید از همهٔ
امّت اعلم و اعدل و افضل و اشجع بوده و قادر بر ادارهٔ
کردن هیئت اجتماعیهٔ ملّت و به صیانت حقوق آنان
و اقتدار ذاتی بر اجراء احکام عدالت و مساوات در میان
همهٔ آن هیئت اجتماعیه داشته باشد و ابصریّت تامّه به مصالح
و مفاسد آن امّت داشته تا اینکه ایشان را بطریق سلامت
استقلال که خود بقاء آن استقلال بقاء شرع و آئین امّت است
ارائه و ارشاد فرمایند . معیّن است که نبی و امام خود
رئیس قوّهٔ اجرائیّه و قضائیّه بودند چنانچه وجود مقدّس
عصارهٔ مدنیّت و مؤسّس قانون اسلامیّت حضرت ختمی
مرتبت صلوات الله علیه هنگامیکه در حضر تشریف داشته
در اشاعهٔ اسلامیّت با بیانات ملیحه و خطابات بلیغهٔ خود
داعی بر توحید و کیفیّت نگهداری سلسلهٔ اسلامیّت بودند
و در سر کوچه و بازار پیوسته باجرای عدل و مساوات و التزام
طریق یگانگی و اتّحاد بر پیروان خود توصیه میفرمود

قال ص بعثت لاتمم مکارم الاخلاق

و از نفاق و شقاق و اخلاق پست و رذیله و اغراض شخصی
تحذیر فرموده کوشش تمام در تصفیه و تهذیب اخلاق داشتند
و بارها علّت بعثت خود را برای اتمام مکارم اخلاق بیان میفرمودند
و آنی بر خود راحتی روا ندانسته از برای آسایش امّت به
اصلاحات امور مملکت دستورها میفرمودند و همچنین در غالب
اجراآت خود متصدّی بوده سرداری قواء حربیّه در ریاست
امور ملکیّه را تکلیف وجود نازنین خود میدانستند همیشه
با یاران و اصحاب خود در آسایش عموم و احیاء اسلام متحمّل
هزاران صدمات بودند . حتّی در قضیهٔ حفر خندق
با یاران خود دست هم داده مثل یکی از ایشان مشغول کندن
خندق بودند مختصر از هیچگونه مجاهده و جانبازی برای
آسایش عموم فروگذاری نفرمودند . همچنین رئیس مسلمین
و امام ۴ صاحب دو قوّهٔ روحانی و جسمانی بودند اهتمامیکه
بر اصلاحات ملکی و ترتیب و تنظیم ولایات و نوشتن
دستور و قوانین ادارات داشتند بیشتر از اهتمام بامورات

فرعیه بود چنانچه فقرات نهج البلاغه خود قانون اساسی
بوده وشاهد مقالست که برای آنوقت بهترین دستوری بود
برای تعالی ملت وترقی دین ومملکت . رقم مبارکی که
اولین ذات سیاسی عالمیان وپیشوای حقه مسلمانان حضرت
مولی المتقیان ع در حکومت مالک اشتر بر حجر مرقوم فرموده
وتفکیک وظائف ادارات مملکت وتفریق میان قوه
اجرائیه وقضائیه فرموده برهانیست آشکار . اهتمامات
آن وجود مقدس در آسایش ملت چه مسلم وچه غیر مسلم وتسویه
امورات ملکیه وتصحیح ادارات مالیه محتاج بیان نیست
چه خاص وعام شنیده ومیدانند . ولی این مرد بزرگ
تاریخی وچنین سالار جنگ الهی که مورخین عالم در
ثناخوانی سرداری ومهارت اداره حربیه وی عجز
دارند درحالیکه شایسته هرگونه تمجید وبزرگی بوده ودر واقع
(چنانکه خود حضرت رسول ص فرموده ودر سایر اخبار وارد است)
اگر ضربه حیدریه ومهارت عسکریه ذاتش نبود آنچه که امروز

هست اصلا نبود وبهمین جهت فضیلت ضربتش را در خندق
بیش از عبادت ثقلین فرموده اند . با این مزایا وشرف
دارای هیچگونه امتیاز با افراد مردم نداشته ودر میان مردم
مثل یکی از آنها معاشرت داشته وزندگی میفرمودند .
یعنی میخواهم بگویم رئیس روحانی وجسمانی یا پیشوای مسلمین
مرسوم نبود که بهیچ وجه فرقی با مردم داشته باشد .
نه دارای لباس مخصوص ونه علامت مخصوصه که دیگران
نداشته باشند بلکه همه وقت بی امتیاز از افراد ناس بوده
ودر میان ایشان آمیزش میفرمود واز نیک وبد ایشان آگاه
میشد . راه یگانگی ومصلحت را مینمود واز نفاق
وزشتی اخلاق نفی میفرمود . یک پرده آشکار عرض کنم
که بزرگ مسلمانان نسبت به پیروان خویش ملاحظه بلندی شأن
ومقام بلندی پیشوائی خود را نمیکرد در کوچه وبازار وهمه جا
مثل سایر طبقات گشته واهتمامش را به تأمین حیات
اسلامیه صرف میداشت خانه نشین نبود وخانه نشینی را

دوست نمیداشت. و از گرفتن یک گوشه و اعتزال جوئی از مردم
و معاشرت نکردن با طبقات سوا امتناع داشته و چندین دفعات
نهی از رهبانیت و زهد خالی میفرمود. نه مثل بعضی روحانیین
حاضره عصر که قیود و امتیازات ملابس ایشان طوری کرده که بکلی
دور از معاشرت طبقات ناس گشته و هیچگونه آمیزشی
با مردم ندارند. فقط معاشرت ایشان منحصر به این شده
که اوقات پنجگانه نماز جماعت برپا باشد آنهم با یک نحو مخصوصی
که عبا در سر بمردم نگاه نمیکنند به مسجد آمده و نماز را ادا نمایند
در حالیکه غفلت از مصالح ناس و احتیاجات مسلمانها
دارند که بداهت شرع و عقل حکم میکند که شایسته آن مقام
بلند بنا باید چنین باشد. چنانچه پیشوایان دین ما چنین
نبودند. ازبسکه این حرکات در میان مردم عادت شده
انزوا و اعتزال را که در شرع شریف ممنوع است از علائم
تقدس و تدین دانستند ولی رئیس مسلمین کسی بود
که در مساجد و غیر مساجد حتی کوچه و بازارها موعظه میفرمودند
و از موازنه اسلام و غیر اسلام خطابات بلیغه داشته

و از موجبات

و از موجبات ضعف و اسباب قوة اسلام و عزت و شوکت
مسلمین نطقها میفرمودند. نه اینکه عمر شریف خود را در یکی
از فروعات مختصره احکام عبادی صرف فرموده و از انحطاط
اصل عنصر اسلامی غفلت میداشت (العیاذ بالله) هر زمانیکه
موعظه میفرمود از ترقی ملت اسلامیه و شوکت مسلمین و کثرت
نفوسشان و حالات مملکت اسلامیه و حدود وی و از
کیفیت برتری جستن بر ملل عالم بیانات حقه فرموده و
باجرای حقیقت (الاسلام یعلو ولا یعلی علیه)
تشویق و تحریک میفرمود. بعضی از خطابات حضرت ولایت
مآب خود میفرمود که دولت اسلامی تا آنروزیکه مهاجم شود
عزت و برتری خواهد جست و اگر حال آنها بحال مدافعه بکشد
ذلیل خواهند گردید و میفرمود بر دولت اسلامی فتایکه
خارجی بر وی هجوم آورده و ایشان مدافعه نمایند که این
عین انحطاط و ذلت است این فرمایش حضرت کلمة الست
که یک جهان قیمت را دارا است (ما غزی قوم فی
عقر دارهم الا ذلوا) ذات مبارکش در فضیلت

عساکر اسلامی و شرف مقام قوّهٔ حربیه تشویق میفرمود
ونگهدار جامعهٔ اسلامیّت و وطن مسلمانها را تا چه درجه لازم
وملزوم این قوّه میشمردند بدیهی است که چنین سالار جنگ آگاهی
و واقف رموز سیاست ملکی و اسلامی بشهامت قومیّت
وغیرت ملیّت که یگانه سبب نگهداری دین و وطن است تا چه
قدری تحریص و تشویق فرمایند (فَضَّلَ اللهُ المُجاهِدِینَ
عَلَی القاعِدِینَ اَجْراً عَظِیماً) . نه اینکه در این عصر حالیه
غفلت از وجوب و حتمی بودن حفظ سلطنت اسلامیان از
دست درازی اجانب که تکلیف معظم اسلامی است کرده
وخود را کناره کشیده و عساکر و سربازان حافظین اسلام را
اعوان جور و ظلم نامیده و بچشم خفت و خواری دیده
عوض اینکه در وجوب تجهیز عساکر و بمقتضای این عصر وجوب
تحصیل علوم نافعه و اختراع آلات حربیه از قبیل
توپهای شراپنل و متراليوز و صحرائی و کوهی و قلعه کوب
و تفنگهای ماوزر و کشتیهای زره پوش جنگی و
بالونهای حربی و سایر فنون و آلات محیّر العقول

کبدون

که بدون تحصیل و تهیّهٔ آنها حفظ اسلام و مملکت اسلامی محال است
تشبّث فرمایند بدبختانه در ضعف مالیه و تحصیل ثروت
ملّت که رفع احتیاجات مملکت بدون ثروت در این عصر
ممکن نیست کوشش نمایند (هَیهاتَ شَتّانَ بَینَ هذا
وَذاکَ) . اگر در زمان سابق پیشوایان دین مبین امر
بترک دنیائی میفرمودند چونکه در آن عصر دول نصاری
باین ترقیات محیّر العقول نرسیده بودند ولی امروز
بقاء دین و ملّت بسته بوجود ثروت ملّت است و بس .
باین مناسبت لازم دیدم که پارهٔ مطالب که سبب ضعف ایران
و انحطاط اسلامیان است اشاره نموده و تحقیق مطلب نمایم
یکی از سموم عقاید که از آن طبقه مخصوص از علماء را مشروب
ساخته و اسلام و ایرانیان را باین سفالت و فلاکت امروزی
انداخته مسئله حکومت جوریه و معنی اوست . این مسئله
بطوری افکار سادهٔ بعضی را مغشوش و درهم کرده است
که بیش از این هر کسی که در یکی از ادارات حکومت مأمور
و مستخدم میشد او را ظالم یا معین ظالم و گناهکار و عاصی

یا غیر از این اعتباریات میشمردند . حتّی از خود علماء اگر کسی
اضطراراً با یکی از مأمورین دولت مربوط میشد آن عالم بیچاره
خارج از زیّ علماء مقدّسین و در انظار فاسق و هزاران
نسبت زشت بوی میدهند . با لزوم اتحاد مابین مأمورین
دولت که قوّهٔ حافظهٔ حقوق ملّت و حدود مملکتند و بین
افراد ملّت منافرت این دو فرقه و همین نادانیها کار را
بجائی رسانید که یگانه سبب بقای اسلامیّت و استقلال
ایرانیّت که عبارت از حبل متین اتّفاق و اتّحاد باشد
بکلّی از هم گسیخته و پاشیده گشت . یک عنصر متحدّ اسلامی
و ایرانی فرقه فرقه شده و تخم منافرت بر دلهای برادران
یک آئین و یک ملّت راه داد معلوم است مالیاتی را که دولت
میگرفت چه اوضاع بود و مردم که میدادند چگونه میدادند .
میان عوام ساده لوح معروف است که مالیات از گوشت
سگ و خوک نجس تر است هر کس مثلاً در ادارهٔ مالیّه خصوصاً
گمرک خدمت میکرد او را اخبث اوّلین و آخرین و در دو جهان
مطرود و روسیاه می پنداشتند و اگر یکی از طلّاب مثلاً

جمعی

تعلیم درس عقاید که وظیفهٔ شرعی هر مسلم است بر یکی از پسران
مأمورین دولتی میکرد فوراً او را در صورت امکان تکفیر و الّا
تفسیق میکردند همه این حرفها و سخنهای مهمل از
نتایج همین مطلب و عقیده است که پارهٔ علماء در خصوص حکومت
زعم مینمایند و نتیجهٔ این زعم این شده که تا حال امورات
مسلمین بدستهای متدیّنین نیفتاده و اشخاص درستکار
همین وظیفهٔ مهمّه را که ادارهٔ امورات مسلمین بوده باشد
قبول نکرده اند . و قهراً کارها بدست نااهلان و ظالمان
افتاده اسلام و اسلامیّت را باین حال فنا و زوال رسانیده اند .
میخواهیم بفهمیم که مراد از سلطنت جائره یعنی چه و در چه
مقامی است آیا امروز ممکن است که سلطنت سلطنت حقّه
بوده باشد یا خیر علی کلّ حال سلطنت سلطنت باطله
خواهد شد هیچ شبهه ندارد که در زمان حضور امام زمان
و حجّة عصر سلام الله علیه رئیس کلّ و سلطان همه قوای
ملکی و عسکری و دینی ذات مقدس آنحضرت است و کلیهٔ
امورات و شئون احتیاجات مسلمین را در دست کفایت خود

مثل سلطان وقت
نه مثل انوشیروان بلکه
و نه مثل [illegible]
سلطنت حقه

باید بکرد و شایسته هیچگونه امری در زمان حضور ذاتش
بجز حضرتش کسی نیست . چونکه مقتضای مذهب شیعه
امام باید معصوم و از طرف خداوند منصوب و معین شده
باشد و این مطلب هم حق و صدق است زیرا جز از امام
معصوم کسی را از طرف خدا امام و پیشوا بر خود نمی پنداریم
و شایسته این مقام ریاست عامه امامی را میدانیم که در همه
حرکات و سکنات و معاملات خود جز رضای باری تعالی
چیز دیگر در نظر نداشته باشد و هیچگونه مصدر خطا نبوده
و پیروی از هوا و هوس نکرده جز اصلاح حال مسلمین
و ترقی اسلامیت و رضای معبود منظوری نداشته باشند
این همان عصمت است که ما مسلمانان بر ائمه شرط امامت
میدانیم پس چنانچه گفتیم در زمان حضور چنان امام
معصوم البته باید او سلطان و رئیس تمام قوای عالم اسلامیت
بوده باشد و اگر کسی در عصر چنین امام با حضور حضرتش
خود را امام و پیشوای مردم بشمار آرد باطل و کذب صریح است
و میتوان گفت روایات و احادیثی که در باب حکومت جوریه

دارد گشته

دارد گشته منحرف بآن عصر است که زمان حضور امام معصوم بوده
چه بدیهی است که با وجود چنین سلطان حقیقی ارجاع امورات
بغیر اهل شرعاً و عقلاً و سیاستاً مذموم و مقابله با امام معصوم است
و در این مورد حکومت آن حکومت جوریه و احکام سلطنت
جابره باین موضوع بار میشود و آنوقت معاونین و مأمورین
همان حکومت ظلمه و اعوان جور نامیده میشوند . با همه این
مذکورات در چنان عصر که امام ع خود حاضر بود و سلطنت
مسلمین در دست غیر اهل بود اگر مستخدمین و مأمورین چنین
حکومت جابره منظوراتشان تقویت عالم اسلامیت و استراحت
امت باشد خود امام ع آنها را تکریم و تعظیم فرموده و حمایت
از انفصال مأموریتش فرموده چنانچه در زمان سلطنت
بنی العباس علی بن یقطین که یکی از مأمورین دولت عباسی
بوده و زمان حضور امام ع هم بود باز امام علیه السلم بر لزوم
مأموریت وی امر میکردند و همچنین حاکم اهواز در حکومت
عباسی از امام عصر خود پرسش کرد از اینکه دست

از مأموریت خود بکشد آنحضرت راضی نشدند و بشدت منع
فرمودند از این امثال نه یکی و دو تاست. کسیکه مراجعه
بتواریخ و روایات نماید خواهد فهمید در همه اعصار حضور
ائمه دین علیهم السلم که سلطنت در دست غیر اهل بوده با
مأمورین و مستخدمین متدین و درستکار دوایر حکومت
عصر خود طوری رفتار میفرمودند گویا اینکه این مأمورین
در زمان حکومت حقه خود مأموریت دارند.

و حال اینکه در زمان اعصار گذشته شوکت اسلامی مثل
امروزی مبدل بذلت و فلاکت نگشته بود و باین درجه
امروزی اجانب بر جان و مال و خانه و زندگی و مملکت
مسلمانان تسلط نیافته بودند و مثل کنونی دارای
قوای عالیه و هرگونه مهمات و اختراعات محیر العقول
و اسلحه‌های جدید الظهور نبودند. و هیچ وقتی کفار بر
مسلمین سلطنت نمیکردند و آیه شریفه (لن یجعل
الله للکافرین علی المسلمین سبیلا) از خاطر مسلمین

محو نشده

محو نشده بود. الغرض بر ارباب ادراک و بصیرت
معلوم گشت که مراد از سلطنت جابره همان است که منحصر
بزمان حضور امام آن عصر باشد و اجزا و اعوان آن
حکومت منظوراتشان ملاحظه احکام عادله اسلامی
نبوده باشد. آنوقت اعوان ظلم بوده و شایسته عدم
محبت مسلمانان خواهند شد و در چنان زمان شایسته است
که بهمین اشخاص گفته شود که تضییع حقوق امام عصر را نموده
و ایراث ضرر بعالم اسلامیت مینمایند. اکنون که زمان
غیبت است و حضرت ولی عصر ارواحنا فداه حضور ندارد
برای هیئت اجتماعیه مسلمین دو تکلیف گران و مهم
متوجه است یکی اینکه این مملکت اسلامی و وطن مسلمانان
که در وی مساجد مسلمین و قبور ائمه طاهرین و سایر پیشوایان
دین مبین مدفون است آیا حفظ آن آب و خاک و استقلال
اسلامیان از تسلط اجانب بر مسلمانان واجب است یا نه
با تعبیر دیگر آیه شریفه (و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة

وَمِنْ رِباطِ الخَيلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللهِ وَعَدُوَّكُمْ)
که یک جزئی از قرآن کریم که کتاب آسمانی ماست تکلیفی
برای عموم مسلمین اثبات میکند یا نه . وشرعاً بر هر فرد
فرد مسلمانان واجبست که نگذارند بر ناموس اسلامیت
که وطن مسلمین بوده باشد کفار دست بیابند یا نه .
شرع وعقل وضرورت حکم میکند که آیهٔ شریفهٔ منحصر بزمان
حضرت رسول صلعم نبوده وحفظ مملکت اسلامی وناموس
اسلامیان از جمیع تکالیف شرعیهٔ مقدم واهم ترست
وتارک این حکم الهی در روز جزا معاقبست .
هیچ جای سؤال وشبهه نیست که در همه فروع دین در صورت
احتمال ضرر شارع مقدس رفع ید نموده وامر بترکش فرموده اند
وفعل اورا حرام ودر صورت اتیان قضائش را واجب
نموده اند مثل روزه وسایر فروع . زیرا در پیش شارع
وپیشگاه عقل هر ذی شعور حفظ نفوس محترمه اوجب
واهم از همهٔ تکالیف شرعیه وانسانیه است با همهٔ

این

این حفظ مملکت اسلامی بقدری منظورست که باید در صورت
مهاجمهٔ کفار همین نفوس محترمه جانهای خود را بکف نهاده
ونثار راه استقلال مملکت اسلامی نمایند . پس از اینرو
معلوم میشود که حفظ بیضهٔ اسلام که عبارت اجرای
استقلال مسلمین است بر تمام طبقات وافراد مسلمانها
حتی بر زنها (درصورتیکه جهاد بر زن واجب نیست)
واجبست . وشارع مقدس چنین تکلیف مهم اسلامی را
فرض ذمهٔ هرکس که مسلمان گفته میشود فرموده است .
وحکمت تشریع این حکم مقدس اینست که وقتیکه سلطنت
اسلامی بتبدیل بسلطنت کفر شد افراد آن مملکت قهراً
تابع وی خواهند گشت ودر مدت قلیلی بجهة معاشرت
ومحکومیت با احکام آنان وتدریس بزبان ایشان وترک
تدریس زبان ملی خود قهراً در پشت دوم یا سوم اسلامیت
مبدل به نصرانیت خواهد شد . این امر قهری است وفعلاً
محسوس است سلطنت اندلس پیش چشم شاهد بینی است

با اینکه نفوسشان همه مسلمان و دو برابر نفوس ایران بوده
پس از غلبهٔ اسپانیا در مدت قلیلی چنان در دین و
زبان و خصائل ملیهٔ ایشان تصرف کردند که امروزه
یک تن مسلمان در آنجا حکم کیمیا را دارد . از اینرو
شارع مقدس مدافعه را و لو اینکه مستلزم هزاران کشتار
و شهید بشود اهم فرائض شمرده زیرا این جانبازی سبب
میشود که تعدادش ملیونها مسلمان در عالم متولد شده و نفوس
زیادی بهم رسانده و دائرهٔ اسلامیت را وسعت خواهند داد
پس از این مقدمات معلوم شد که این مملکت اسلامی باید
از تجاوزات کفار محفوظ بماند . حالا بفهمیم
و ببینیم با چه محفوظ میماند و که باید حفظ نماید معلوم
هر کس است که امروزه قوهٔ اجانب فوق ما یتصور است
از کشتیهای جنگی و تجارتی و بالونهای حربی و هزاران
اختراعات محیر العقول که بسبب کثرت ثروت که در این عصر
مایهٔ القوام استقلال اسلامیت است و هر گونه وسایط

نقلیه

نقلیه و شمندوفرها که در عرض چندین ساعت ملیونها عسکر
و سربازهای نظامی را با استعداد دیگر بتوانند چندین سال مقاومت
نمایند بحدود مملکت سوق مینمایند بشبهه نیست که همهٔ این
اقتدار آنها در سایهٔ قوهٔ مالیه و ثروت ایشان باین پایه
رسیده . اگر ملتشان فقیر باشد ممکن نیست که دارای این
استعداد بشوند . پس برای ما مسلمین تحصیل ثروت
و تهیهٔ استعداد از اهم واجبات و اولین فریضهٔ اسلامی است
و خود جهاد فی سبیل الله است . چنانچه گفتیم بقای اسلام
بسته به بقاء مملکت اسلامیان است پس ناچار در این عصر
محض حفظ ناموس خودمان باید تحصیل ثروت و تهیهٔ
قوه نمائیم که از دین و مملکت و ناموس ملت بتوانیم مدافعه
نمائیم . یعنی قوای حربیه عسکریهٔ منظم داشته باشیم
و صاحبمنصبان عالم بفنون حرب و در مدارس عالیهٔ
حربیهٔ اروپ تحصیل کرده و عملیات دیده داشته
باشیم . بدیهی است که این قوهٔ مدافع وظیفهٔ حتمی

ملتیست که شرعاً مصارف اینهارا تسویه نمایند و طریق
تحصیل این مصارف به مقتضیات زمان و احوال ملت
و حال مملکت مختلف میشود . و ثروتی که صرف ادای
فریضه اسلامی میشود باید گواراترین و حلال ترین اموال
شمرده شود بشرطیکه کار بدست اهلش باشد . پر از مطلب
دور شدیم برگردیم بسر مطلب : رئیس مسلمین کسی بود
که آشنا بهمه زبانها و عارف بتمام لسانهای ملل بود.
چنانچه این امر زبانزد خاص و عام است هر قومی را
با زبان خود ارشاد بدین حنیف اسلام میفرمود
و هر ملتی را با زبان خودش نصیحت میکردند چنانچه
این شیوه را امروزه روحانیین نصاری پیش گرفته
در همه اقطار عالم با زبان اهالی آنجا آئین مسیح میخوانند
طبقه عالیه ایشان کتابهای دینی ما را عموماً و کتاب
منزل سماوی ما را خصوصاً موافق اغراض خود بزبانهای
مختلفه ترجمه و نقل کرده و قلوب ملل دیگر را از

من رسول الا بلسان قومه لیبین لهم الخ

اسلامیت

اسلامیت و شارع اسلام و مروجین وی و ملت اسلامیه
منزجر و متنفر مینمایند . چنانچه بدرجه کرده اند . و مادام که
علمای اسلام چنین غافلند بدتر و بیشتر خواهد شد یکمرتبه چشم
باز خواهند کرد و خواهند دید که از اسلامیت نه اثری باقیست
و نه عزتی در عالم . و طبقه عالی دیگرش کتابهای خودشان را
بر وفق میل خود و مناسب احوال روحیه ملل ترجمه کرده
بممالک عالم نشر میدهند . و بدین واسطه نفوس خودشان را
افزون مینمایند . و طبقه دیگرش با هزاران وسیله مکاتب
تأسیس کرده نشر معارف نموده اطفال ملل دیگر را تربیت
کرده با این طریق دعوت مینمایند . و طبقه دیگرش
مریضخانه تأسیس کرده فقرا را مجاناً قبول نموده و احوال
صحیه آنان را ملحوظ داشته با این قسم جلب قلوب آنهارا
میکنند . رئیس مسلمین نه کسی بود که مرتبه
اطلاع وی بزبانهای ملل دیگر در درجه صفر باشد و نداند
بر اینکه قرآن مسلمانان را چطور بزبانهای ملل دیگر

ترجمه ونقل کرده اند . وهیچ ملتفت نشود که دعاة مسیحی
دارند چه نیرنگها میزنند وچگونه نفوس خودشان را زیاد
کرده ودر اختلاط اسلامیان چطور با تمام قوه کار میکنند
بدیهی است که پیشوایان دین ما گفته اند (مداد العلماء
افضل من دماء الشهداء) آنانی هستند که یک کتلهٔ
اسلامیه ویک هیئت ملیه را با نوشتن وگفتن مصالح
ملکیه واستقلالیه آنها از ایشان نگهداری نمایند چنانکه
دعاة نصاری را نوشتیم خیلی بشر را آزاد بکنند
نه اینکه در یک فرعی از فروع جزئیهٔ مسائل که غالباً
مبتلا به مردم نیست مسئله گوئی بنویسند — این مسئله
های تأمل است وزبان عوام را بر علیه علماء باز نمایند
(که بدون تأمل واجب نیست بنویسند) . وغفلت از این
اسارت اسلامیان واختلاط اسلام فرمایند (اللهم
انا نشکوا الیک من السادة الذین اضلونا السبیلا .
چون در دیباچه گفتیم بر اینکه باید بدانیم علمای اسلام

دوحوزه

که حضرت رسول (ص) وپیشوایان دین مبین آنان را ورثهٔ پیغمبران
ونواب خود وچه وچه فرمودند وگفتیم که خود آنحضرات (ع)
رئیس ادارهٔ هردو قوهٔ اجرائیه وقضائیه ومرجع امورات
روحانیه وجسمانیه بودند . حالیه میخواهیم تشخیص نمائیم
وبفهمیم که علماء وروحانیین عصر حاضر بکدام وظیفهٔ امام (ع)
موظف ومرجع کدامین از این دو قوه هستند . اگر
مرجعیت علماء تنها راجع بامور روحانیه وعبادیه است یعنی
خود را مبین اعتقادات اسلامی واحکامی که راجع باخلاقی
وعبادی مردم است امروزه در دائرهٔ همین وظیفهٔ
روحانیت چندین تکالیف مهمه بر سبیل وجوب در ذمهٔ
علما است . یکی از آنها از حیث حفظ عقاید مسلمین
رسماً تدریس علمای هر بلد است بر اولاد مسلمانان در مدارس
جدیدهٔ کنونی که خود علما باید بنفسه سمت معلمی عقاید را
در مدارس ومکاتب بلاد اسلامیه در عهده بگیرند .
این وظیفهٔ شرعی وسیاسی خیلی مهمی است . این را باید

در نهایت افتخار و شرف پذیرفته و وظیفهٔ الهی خود دانسته
به تعلیم به پردازند این رشتهٔ عقاید را سست و بی اهتمام نگرفته
و محول بغیر اهلش نفرمایند . دوم اینکه فلسفهٔ اصول
عقاید و احکام اسلامی را استدلالی با عبارات خیلی ساده
نزدیک بذهن عموم نشر نمایند با زبانهای مختلفهٔ فارسی
و عربی و ترکی و فرانسوی و انگلیسی و آلمانی و روسی
وغیره در این باب رسائل و لوایح و جراید متعدده تألیف
نموده منتشر اقطار عالم فرمایند چنانکه دیگران کرده و میکننده
در هر گوره دهی مسلمانان می‌بینیم قاتولیکها و پروتستانها
وادرتودوقسها با مخارج خود مدرسه باز کرده در ضمن
نشر عقاید مسیحی میکنند و بدین وسطه نفوذ دولت خودشان را
تزئید مینمایند . بدیهیست که حفظ عقاید
مسلمانان و تکثیر نفوس ایشان امروز با همین است
نه گوشه را گرفتن و در خانه نشستن و از حال مسلمین
بی اطلاع بودن که خود اینها ضربهٔ بزرگی بعالم اسلامیت .

واقعاً خیلی جای اسف است که تا امروز چندین هزار جلد
رساله در فروع تألیف و طبع شده اولاً عبارات آنها
طوریست که عوام بیچاره باید در فهمیدن آنها عام
و خاص مطلق و مقید مفهوم و منطوق و سایر مباحث
الفاظ را آگاه باشد بعد باید معانی و مراد الفاظ را
بعد از تأمل زیاد بلکه درک بکند . ولی تاکنون
دیده نشده که مختصری هم در اصول عقاید اسلامیه با زبان
ساده نشر شود و در رساله‌جات فرعیه تا حال خبری
و اثری از اصول عقاید اسلامیه نوشته نشده که یک
بچهٔ مسلمان اقلاً اعتقادات خود را از روی همین رسائل
محکم نماید . همین غفلتهاست که در ایران هر گاهی و هر
روزی یک مذهب نو و طریق جدیدی احداث شده
و عنصر متحد ایرانی را فرقه فرقه نموده و بجان یکدیگر
انداخته و از مسائل مهمهٔ مملکتداری بالکلیه غافل
شده اند . پس از امروز علما را لازمست که

[illegible] عمدهٔ فایده مغتنم فرحمة الله علیه رحمة واسعة

یک اجتماع و انجمن مهمی ترتیب داده چنانچه نصاری
جمعیتی تشکیل داده اند و در کلیهٔ کرهٔ ارض شعبه تاسیس
نموده اند آقایان هم جمعیتی تشکیل دهند و شعبه‌های
مختلف در بلاد داخله خصوصاً و در بلاد خارجه عموماً داشته
باشند . و فلسفهٔ اسلام و حکمیات این دین مبین
و تاریخ اسلام و بیان شرح حال و چگونگی حیات
پیشوایان مشاهیر اسلام و مزایای اسلامیت را چنانچه
گفته شد با چندین زبان نشر کرده خدمت حقیقی بعالم
اسلام نمایند . سوم از وظایف تنها روحانی
بودن این است که در دوائر رسمی و محاکم شرعیه مرجع
آن احکامیکه راجع باین صنف است باشند .
مثل محاکمات شرعیه نکاح و طلاق و نصب قیم
و همچنین بیان احکام عبادیهٔ مردم از قبیل مسائل صوم
و صلواة و غیر ذالک و در اموریکه راجع بسایر شؤن
حیاتیه است مداخله نمایند در صورتیکه وظائف روحانیه را

ملتزم باشند

ملتزم باشند به تکالیف شرعی و حتمی خود که در این عصر
منحصر بآنهاست که ذکر شد عمل نمایند .
و اگر تنها روحانیت تنها نیست و بلکه مرجع کلیهٔ شؤن روحانی
و جسمانی مادی و معنوی می پندارند آنوقت باید
بمقتضیات این عصر علاوه بر آن اموریکه نوشتیم و گفتیم
باید عالم بهمهٔ علوم عصریه و احتیاجات کنونی مردم بوده
تا بتوانند بر فرض قیام نمایند و دارای کلیهٔ فنون
و علوم عصریه باشند تا اینکه از روی استحقاق مرجع
کلیهٔ شؤن زندگانی مردم بشوند . مثلاً باید آنوقت
علماء علم اقتصاد و ثروت را بطرزیکه در مدارس عالی
اروپ تدریس میکنند تحصیل کرده باشند تا بتوانند
تسویهٔ احتیاجات هیئت اجتماعیهٔ مردم را نمایند و
بدانند که طریق افزودن واردات مملکت و ثروت ملت
از چه رو و از کدام ممر ممکن است . آنوقت باید
عالم هرگونه منافع تشکیلات کمپانی‌های اقتصادیات

مملکت از راههای آهن و شوسه و کشتیهای تجارتی و فنون زراعت (مختصر) هر چیزیکه با آن میشود دولت و هیئت اجتماعیهٔ آن مملکت را بی نیاز کرد طوری باید بصیرت تام در اقتصادیات مملکت داشته باشد تا بتواند آن اسباب ترقی که مناسب با حالت روحیهٔ مملکت است جلب نماید و از ملاحظات باریک هرگونه مضرات احتراز نمایند همچنین آنوقت عالم باید بتمام احتیاجات قوهٔ مدافعه از ملت و از استقلال مملکت را بخوبی بداند بعبارت واضح عالم باید خود دارای جملهٔ علوم و فنون حربیه باشد و تحصیلات کامله در یکی از مدارس عالیهٔ حربیهٔ اروپا دیده باشد و عملیات این فن مهم را پیش استادان اروپائی به ترتیب و تفصیل دیده باشد تا کسب استحقاق نموده و بتواند که مداخله در اجرائیه حربیه نماید و بشود که ناموس استقلال چندین ملیونها ملت بدست کفایت او سپرده گردد . و همچنین آنوقت عالم باید بهمهٔ علوم طبیعیه و ریاضیه مثل تاریخ طبیعی و مواد کیمیاوی

[illegible]

وشیمی

وشیمی و حکمت و علم نباتات و هندسه و حساب و جبر و مثلثات و علم هیئت و میخانیک و سایر اقسام متفرعهٔ طبیعیات و ریاضیات عالم و بخوبی آگاه باشد .

و همچنین آنوقت عالم باید عارف بتاریخ عمومی ملل و تاریخ سیاسی عصر قدیم و حاضر و بتاریخ ملی و سیاسی مملکت خود باشد که بتواند موجبات ترقی ملل و انقراض ملل دیگر را از روی درستی ادراک نماید تا اینکه بتواند چیزهائیکه سبب ترقی ملت خود است راهنمائی کند و اسبابیکه در عالم موجب انقراض و پاشیدن یک هیئت اجتماعیه است ملت خود را ابراهاند پر واضح است که هر ملتی که در عالم ترقی کرده و میکند از احاطه بتاریخ ملیت خود و تاریخ اقوام دیگر عالم بوده است و هر ملتی که در عالم زوال پذیرفته و یا در شرف زوال است از جهل بتاریخ ملیت خود و تاریخ ملل دیگر بوده است بلکه توان گفت که علم سیاست و پولتیک امروزه که بواسطهٔ او دیپلوماسیها و سیاسیون عالم با یک گفتار و کردار زوال یک ملتی را باعث میشوند

یا ملّت دیگری را زنده میکنند یا صلح عمومی را ادامه یا متزلزل
مینمایند جزء اعظم او دانستن تاریخ است که می بیند یک تن
سیاسی و دیپلوماسی ماهر بطوریکه میخواهد در کرهٔ ارض
همه گونه نیرنگ برد و باخت می سازد . و همچنین
عالم باید از وقت دانا بحقوق باشد و در مدرسهٔ عالی که متخصص
بعلم حقوق است سالیان دراز زحمت برده و تحصیل کرده باشد
و بداند حقوق عمومیه و خصوصیهٔ دول حیثیت و حقوق
اساسیه و اداره و مکتوبه و عرفیه یعنی چه و از معاهدات
و مقاولات دول با همدیگر آگاه باشد و حقوق حرب و صلح را
بداند تا بتواند در سیاسیات مملکت موافق قانون رفتار
نماید (الغرض) کدام یک از علوم مفیدهٔ این عصر ترقی را
بشمارم مختصرش بمقتضای احتیاجات حالیه هر علمی را
که دیگران دارند و آن علم آنها را از پست ترین پایهٔ نادانی
برتری داده و بآسمان مدنیت رسانده است پیشوایانیکه
مداخله بسیاسیات مملکت را در عهده بگیرند باید آگاه و دارا
باشند . پس از شرح و تفصیل این مقدمات

نتیجه

نتیجه این است که بیان کنیم وضع احتیاج امروزه و فردای ما غیر از
دیروز است و به مقتضیات این عصر مسلمین ایران چیزی که در حالت
کنونی از علماء منتظر و مترقب هستند غیر از آن است که پیش انتظار
داشتند مسلمانان و ملت ایرانی این حقیقت را خواهان هستند
چنانچه در پیش شرح دادیم علمای کنونی ما هم پیروی از قائدین
کرده و تبعیت باخلاق سیاسی اسلامی حضرت مولی الموالی
در تمام جزئیات نمایند آن مزایا و افکار سیاسیه که آنحضرت
در توسیع نطاق اسلامیت و حفظ ازدیاد شوکت مسلمین
می پرورانیدند این ها هم همچنین باشند

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلم در یکی از وقایع حرب که شخصی
از لشکر معاویه خلخال زن ذمیه را جبراً گرفته بود میفرماید
(فَلَوْ اَنَّ امْرَأً ماتَ مِنْ بَعْدِ ذالِكَ اَسَفاً ما کانَ مَلُوماً
بَلْ کانَ عِنْدی جَدیراً) یعنی اگر مسلمین بعد از دیدن
و شنیدن این ننگ از تأسف میمردند شایسته بود پیش
من و جای ملامت نداشتند . غرض از تأسف آن
بزرگوار این بود که نباید بشوکت اسلام صدمه وارد آید

ولی امروزه ارکان اسلامیت در تزلزلست و مسلمین از
سیصد و پنجاه ملیون که بجز شصت ملیون که صورتًا استقلال
دارند باقی همه در زیر بیرق کفر اسیر و زیر دست هستند دارا
آثار اسلامیت بجز لفظ مسلم در روی آن بیچارگان چیز
دیگری نیست در دین و اخلاق و ناموس آن مظلومین
همه گونه تصرف کرده و ذلیل و زیر دست خود کرده اند
باز پیشوایان کنونی هیچ از خواب غفلت بیدار نمیشوند
و هیچ ملتفت اینکه استقلال اسلام و شوکت اسلامیان چیست
و با چه حفظ میشود نیستند خوبست مختصری از حالات
و نمایشهای ذلت کنونی را گوشزد مسلمانان نمائیم .

امروزه چنانچه گفتیم از عالم اسلام و استقلال مسلمانان
نمانده که اسیر و زیر دست اجانب نشود مگر دو یا سه قطعه
مرکز اجتماع اسلامیان که یکی از آنها ایران و وطن عزیز
اسلامیان باشد . حفظ شوکت استقلال اسلام که شارع
مقدس حمایة و مدافعهٔ اورا اولین وظیفهٔ اسلامیان
شمرده و فرض حتمی کلیهٔ مسلمین فرموده بطوریکه

خود

خود رئیس المسلمین علی بن ابیطالب علیه الصلوٰة والسلم در خصوص
خلافت میفرمایند که اخذ حق (خلافت) برای من
صعب است ولی رفتن اسلام مشکل ترست رفتم بیعت
کردم تا اینکه استقلال اسلامی محفوظ بماند . وکذالِک
حسین بن علی بن ابیطالب علیه السلم که قرة العین حضرت
رسول صعم بود و چشم چراغ پیشوایان اسلامیان بود
شارع دین اسلام رضا میداد و میفرمود که خود و خانواده
خود و یاران و اصحاب خود را همه فدای ناموس اسلام
بکند سید الشهدا علیه السلم بالبداهة عالم بود که هفتاد
تن در برابر آنهمه خونخواران ظالم صورتًا تأثیری در مقابله
ندارد ولی شارع دین میفرمود و پارهٔ جگر حضرت رسول صعم
خوشنود بود برای اینکه هفتاد تن فدای چندین هزاران
ملیونها اسلامیان بشود که تا کنون آمده اند و پس
از این خواهند آمد و با اسلامیت خواهند مرد چنین
تکلیف که پیغمبر ما و پیشوای اسلامیان بریختن خون خود

ادای اورا میفرمود ما اورا عمل نمی کنیم و وظیفهٔ خود را
که نمی شناسیم سهل است ما اسلامیان خودمان بدست
خود در اماته و تخریب این دین که با خون مطهر هزاران
شهدای مقدس استقلال و شوکت یافته میکوشیم
و داریم اندک اندک اضمحلالش مینمائیم نه تنها اسلام بلکه
شارع اسلام و ائمهٔ دین که مؤسسین استقلال اسلامیان
بودند اسباب اضمحلالش را فراهم می نمائیم .

می پرسم آیا روس و انگلیس را ما؟ بر مسلمین مسلط
کرده ایم یا خود بخود آمده اند بعبارة اخری ماحی
دین اسلام روس و انگلیس است یا ما خودمان هستیم
که در مقابل زیور زنان و خزف بیگانگان دین
و استقلال و ناموس را میدهیم و میفروشیم و از این رو
میگویند که تجارت ما در ایران از ناامنی در خطر است
مجبوراً باید مداخله نمائیم ما هستیم که ثروتیکه روح
مملکت و شوکت اسلامیت است بر اجانب هبه مینمائیم

و آنها اسلحه کرده بر دین و جان ما خصم میشوند . یا
بیخودی اینهمه نفوذ پیدا کرده اند ما هستیم که یک سلطنت
اسلامی را که با خونهای پاک شهداء و شهادت مثل
حضرت سید الشهداء ع اسلام شده بتبدیل به سلطنت
کفر مینمائیم یا بیگانگان قهراً میکنند و حال اینکه
اگر کار باین جور رود قهراً مملکت زیر جناح اجانب
رفته (خداوند بصیرت بدهد اشخاصی را که از احکام
واجبهٔ مهمهٔ اسلامیه غفلت کرده و باشتغال با مستحبات
جزئیه خود را قسیم الجنة و النار فرض میکنند)
بمحض تجدد یک نسل اصل اسم محمد ص بن عبدالله
و اسلام را فراموش خواهند کرد مثل اندلس
ای متدینین و مقدسین و پیشوایان غفلت شما است
که اماته اسلام مینماید جای اینکه در حفظ شئون اسلامیت
و شوکت اسلامیان ساعی باشیم در نفاق و ذلت
و تخریب اسلام و مسلمین کوشش می نمائیم امروزه

از وظایف مهمّهٔ علماء اسلامیان این است که این قرض
دین بر باد ده وخائنان که یکمشت اراذل بیدین
بی شرف از روس نمودند وجای اینکه صرف مصالح
ملت نمایند در تضییع حقوق ملت وشهوات نفس
نحس خودشان صرف کردند از لوث این بار خواری
دمائیه محو دین اسلامی واسلامیان رابرهانند ومحض
احیاء اسلامیت جمعیتی در تحت ریاست یکی دو نفر از
محترمین پیشوایان تشکیل دهند وبتمام ولایات وایالات
وبلاد وقصبات ودهات شعبه تشکیل نمایند
وخطبا وناطقین وواعظین را بمنبر کرده بر تشویق
این معاونت اسلامیه وحفظ اساس اسلام وادار
سازند از اعانه وسایر حقوق شرعیه بهر اسم ورسم
باشد امر بفرمایند که برای این مقصد اسلامی معاونت
کرده وحقوق اسلامیهٔ خودرا ادا سازند .
امروز ممکن است اگر مسلمین قسمتی از سهم امام ع را

برای

برای تهیهٔ قوای عسکریه وحفظ بیضهٔ اسلام که عبارة اخرای
استقلال مسلمین است صرف نمایند چونکه مصارف سهم امام ع
با وجود غیبت ولی عصر ارواحنا فداه یقیناً باید صرف شود
وبهر مورد دیگر حضرات مجتهدین صرف مینمایند چون جواز تصرف را
منوط باحراز رضای معصوم میدانند ودر اعصار سابقه ....
ترویج دین نحو دیگری بوده حالا نحو دیگری شده امروز
حفظ اسلامیت بغیر از قوای حربیه ودار الفنون معظم اسلامی
که در قم یا مشهد تشکیل خواهد شد امکان پذیر نیست واگر تدقیق
وتحقیق نمائیم می‌بینیم که غیر از قوای دفاعیه حالا نه امنیت
داخلی ونه تدریجاً وزارت اجانب خواهد شد درزمان
سابق علمای اعلام حقوق واجبه را بمصارف عسکریه
صرف نمیفرمودند چون آنوقت از قوای دول اجنبیه و
ترقیات محیر العقول آنها غافل بودند حالا اگر تمام زکواة
وسایر حقوق واجبه اهالی ایران را جمع کنیم بقدر قیمت
یک کشتی یا دو کشتی زره پوش نخواهد شد کجا مانده سایر
چیزها که عقلا ان متحیر است حالا با همین مقدمه می‌توانیم

زیاده از ده نفر [illegible] دیده‌ام از فضلا [illegible]

بگوئیم که تا آنزمانیکه جای ترس و خوفی از مهاجمات پولیتیکی یا
اقتصادی یا حربی در ممالک مسلمین هست رضای معصوم ع
منحصر بتقویت قوای دفاعیه و تحصیل علوم جدیده که میتوان
جلوی اجانب را گرفت   محقق متأخرین شیخ مرتضی اعلی الله
مقامه صریح در مکاسب خود میفرماید که سهم امام ع ربط
به مجتهد ندارد بلکه جواز مداخلهٔ مجتهد از اینرو بوده که شاید
محل و مصرفش را بصیرتر از معطی باشد و بهتر بداند بداهت
و عقل هم حاکم است که جائیکه رضای معصوم ع احراز نشود
و معطی خود را اکثر و اعرف آن مقام نداند آنوقت باید
خود مباشر ادای تکلیف خود باشد .   حالا میخواهیم
بفهمیم آیا امام علیه السلم باستخلاص مملکت اسلامیه که اسلام
و مسلم و علائم اسلام با بقاء و استقلال او باقی خواهد ماند
رضا دارد یا نه   هیچ جای شبهه نیست   اسلامی که شارع
دین مدافعهٔ وی را از اهم فرائض اسلامیان شمرده
امروزه هم تهیهٔ قوهٔ عسکریه و ترتیب قوهٔ حربیه که حفظ
اسلامیت فقط بسته باوست داز اهم فرائض اسلامیان است

ایا امام علیه السلم راضی نیست که این حقوق شرعیه جمع شود و هر قسم
قوه که با او میشود حفظ بیضهٔ اسلام کرد تهیه گردد ایا امام ع
راضی نیست که این وجوه شرعیه جمع شده و قرض روس که اسلام
و مسلمین را خوار و ذلیل کرده داده شود و کفر بر اسلام تسلط
نیابد   شبهه نداریم که وجود مبارک امام عزیزتر از سهم امام
بود می بینیم در حفظ اسلام و نگهداری شئون اسلامیان
امام علیه السلم خون خود را میریخت . علنا می بینیم که بیرق
کفر در برابر علم اسلام و بیرق صلیب در قبال علم توحید
مقابله دارد و یک مملکت اسلامی را روس و انگلیس دارند
در کمال بی مبالاتی بانواع مشکلات انداخته و صحبت تقسیم
وی مینمایند   و هر ذی مدرکی میداند که محو ایران بعینه محو
عالم اسلام است   اگر ایران برود فردایش عثمانی هم خواهد
رفت   قبلهٔ مسلمین خواهد رفت   ضریح پیغمبر ص خواهد رفت
قبور ائمه علیهم السلام خواهد رفت   کلمهٔ مقدسه لا اله
الا الله و محمد رسول الله محو خواهد شد   ناموس
اسلامیان مضمحل خواهد شد   جنوب ایران اگر خلل پذیرد

کربلا و نجف و مدینه و مکه بالاخره عالم اسلام عموماً خلل
خواهد یافت . اینها هیچیک درست و تأمین
نخواهد شد مگر اینکه ایران قوهٔ حربیه و استعداد عسکریه‌اش
مرتب بشود و او هم مرتب نخواهد شد مگر اینکه مالیه و ثروت
ایران مرتب بشود و مسلمین خارجه هم معاونت نمایند .
الغرض چنانچه نوشتیم علماء در پی درمان و علاج آیند
و امروزه حفظ شوکت مملکت اسلامی و استقلال ایران را
از اهم فرایض خود بشمارند و بهر جزء جزء دردهای بیدرمان
مسلمین آگاه باشند و بمقام علاج آیند و این نمیشود
بجز اینکه علماء تشکیل حوزهٔ علمیه و اجتماعیهٔ خودشان را
در داخلهٔ ایران نموده و اقامت یکی از عتبات مقدسه
مشهد رضوی ع یا عتبهٔ معصومهٔ قم را ملتزم شده
و در داخلهٔ ایران گردهم آیند و آگاه از دردهای بیدرمان
مسلمین باشند چنانچه امیرالمومنین علیه السلام محض حفظ
شوکت اسلام و اطلاع بحال اسلامیان لذت و معنویت
مجاورت ضریح مطهر حضرت ختمی مرتبت را متروک داشته

و تشریف

و تشریف بکوفه آوردند و حفظ شوکت و نشر اسلامیت را
در این دیدند . امروزه اگر علماء ما بتبعیت از پیشوایان
خود بفرمایند و بخواهند تکالیف اسلامیه را و آن حقوقی
که در گردن خود نسبت باسلامیان دارند ادا نمایند این است که
باید در صورت لزوم و فوریت ساحت ایران را با قدوم
مبارک خود میمون فرمایند و بیایند و بدانند که مقتضای
امروزهٔ مسلمانها چیست و چگونه و از چه راه توان شوکت
از دست رفتهٔ اسلامیت و ایرانیت را تلافی نمود و پیش
بگیرند و این امر چیز تازه نیست و بهیچ مرتبه و مقام
بر روحانیت بر نخواهد خورد بلکه علماء اسلام ما اگر درست
تصور فرمایند در این موقع از فرایض ذمه‌شان است
و هیچ چاره و راهی و علاجی از برای حفظ مقام روحانیت
خود و شوکت اسلامی نیست جز اینکه در این عصر مثل پیشوایان
ما با مردم زندگانی نموده و در میان مردم مثل یکی از افراد
باشند و آمیزش فرمایند و قیود را از خود بردارند .
امروزه اگر علماء بخواهند از راه و طریقش با ملاحظه

مقتضیات عصر و بصیرت تمام در سیاسیات مملکت مداخله
نمایند منافع ایشان بحال مملکت و ملت اسلامی بیش از
دیگران عاید خواهد شد . در زمان هلاکو خان فیلسوف
اسلامی خواجه نصیر الدین طوسی علیه الرحمه رسماً منصب وزارت
داشت و مهام امور آن عصر در مملکت ایران بدست ایشان بود
و در تمام محاربات مشیر و مستشار بود نه اینکه بحرف خشک و
خالی قناعت نمایند و یا اینکه خود را کناره گرفته و بعدم
مداخله با مورات مهمه مسلمین مترنم پاره مطالب باشند
که جز نفاق عنصر اسلامی ثمری نداشته باشد و باین امر
مذموم هم فخر نماید و بگوید که من با این کارها کار ندارم ....
انظار بعضی علما این است که در زمان غیبت امام علیه السلام
باید مجتهد رئیس امت اسلامیه باشد چنانچه پیش هم شرح
دادیم میگویند بدون مباشرت مجتهد هرکس مداخله
نماید باز معاونت ظلم کرده است .
ارباب ادراک میدانند که دین اسلام دینی است که در میان
ادیان ملل عالم مزیت و جهة امتیازش باین است که
فلسفی و عقلی و علمی است و احکامش اغلب منافات

بعقل ندارد

با عقل ندارد و شارع مقدس وی که مجز من عند الله بود
اشرف انبیاء و مرسلین بود امر بغرض غیر صحیح نفرموده
و نمیفرمود . همین اشخاص که قائل بقول مذکور
میشوند اگر بعلوم و احتیاجات مسلمین در امروز بمقتضای
عصر واقف نباشند چطور متصور است که شارع تجویز مداخلات
آنها را بفرماید و چگونه میشود کسی که عالم بفروع مسائل
عبادیه مثل طهارت و نماز و روزه باشد او را شارع
مرجع تعبدی یک جمعیت اسلامی فرماید یا کسیکه اقصی
درجه اطلاع علمی وی در عالم منحصر بر این علوم باشد
که به بینیم ظواهر الفاظ بین یا بظن خاص حجت است
یا ظن مطلق . شارع مقدس دین حنیف اسلام
او را مرجع کلیه امور ملکیه و معاملات و حربیه
و عبادیه و سیاسیه بفرماید و او را بریاست سیصد و
پنجاه ملیون نفوس اسلامیه بیان و تشریع فرمایند
بداهت و عقل هر عاقلی حاکم است که اشخاصیکه در صورت
عدم اطلاع بر علوم لازمه اداره یک قصبه را نمیتوانند بکنند

کجا برسد که ریاست ملکیّه و ملّیه و سیاسیّه و حربیّهٔ یک مملکت
معظم اسلامی را اداره فرمایند . الغرض چنانچه گفتیم
محض حفظ این علقهٔ مقدّسه و اداء حقوق اسلامیان
بایران تشریف آرند چنانچه نوشتیم موجبات آمیزش علماء
با مردم و تشریف فرمائی بایران در این موقع باریک عالم
اسلامیّت و ممالک اسلامیّه اگر خورده از روی انصاف
تصوّر شود از الزم حقوق علماء بوده و فوری ترین فرائض
اسلامیّهٔ آنان است مقتضیاتی که امروزه از برای تشریف
آوردن علما بایران و آمیزش و زندگانی کردن در میان
ایرانیان هست در هیچ زمانی و دورهٔ نبوده است .
مثلاً یک فکری را بنظر خوانندگان کرام میرسانم و عرض
نمایم تصوّر بفرمایند از روی انصاف و متانت
عقل ببینند اگر علمای عظام پیروی فرمایند داد را
تأسیس و ترتیب بفرمایند چه قدر شایان ذکر و اهمّیّت
و معاونت بعالم اسلام و وطن اسلامیان خواهد شد

و تا چه اندازه

و تا چه اندازه تاریخ عالم نه تنها ایران نه تنها آسیا
بلکه تواریخ عالم این امر و معاونت بزرگ را بعالم
دین و وطن مؤثّر شمرده و الی الابد از سلسلهٔ جلیلهٔ
علمای اسلام در این امر تمجید و ثناخوانی خواهند کرد .
هیچ عاقلی و ذی شعوری شبهه ندارد در اینکه امروزه
احتیاجات بیشتر و افزون تر از عصرهای سابق است
و این احتیاجات رفع نمیشود مگر با بسط علم و نشر معارف
و تربیت اولاد وطن و تعلیم علوم و فنون و صنایع
این عصر ترقّی و تمدّن مختصرش این است که ما نمیتوانیم
دین و ملیّت و وطن خودمان را از چنگال این تسخیر
کنندگان عالم و این دول اجانب که با قوّه و نور علم
عالم را بتصرّف خود آورده[2] و اگر ما باز در این پست
مرتبهٔ جهل بمانیم یکی از آن ممالک خواهیم شد که آثار
اسلامیّه و ملیّهٔ آنرا محو کرده و رشتهٔ استقلال آنرا
از هم گسیخته و خاک ذلّت و خواری را بر سرشان

[2] نگاهداری کنیم متن

خودشان

ریخته ودر خانهٔ بی خانمان وذلیل کرده اند مثل
(اندلس) که مملکت اسلامی بود وچه قدر علمای معتبر
اسلام از آنجا بیرون آمده بود ودین اسلام واسلامیان را
زنده کرده بود امروزه اصلاً عنوان ایشان برگشته
نه نامی از اسلامیت هست ونه نشانی عوض اذان
ناقوس شنیده میشود وجای مساجد کلیساها ومثل
(الجزائر) (وتونس) که مسلمانانش ریخته وبتمام عالم
پاشیده اند ومثل (داغستان) (وقفقازیه)
(وبخارا) (وخیوه) (وترکستان) (وقازان) (وقریم)
که امروزه ناله وآه اسلامهای ایشان عالم اسلامیت را
جگرخون میکنند ودر معابد ومساجد آن مظلومین
سلطان ایشان عکس خود وزنش را می آویزند
وشب وروز جد مینمایند که آثار اسلامیه را محو نموده
وکاری بکنند که تا نسل آینده نام ونشانی از اسلام
بنا شد ومثل (سودان) (جاوا) (بلوچستان)

(بوسنه) (وهرسک) (وکریت) وهندوستان که صدای
ایشان گوش عالم را پر کرده وارکان اسلامیت را
بلرزه درآورده است . الغرض چنانچه گفتیم
مانمی توانیم دین اسلام واستقلال اسلامیت وملت
خودمان را از چنگال ظالمانه این دشمنان اسلام
برهانیم الا با نور علم وپرتو معرفت وتأسیس مکاتب
وافتتاح مدارس الا اینکه از خودمان آدم بیاریم
که بکار رود ودرد خودمان بخورد وآن فکر این است
چنانچه عرض شد علماء وپیشوایان از برای معاونت
بعالم اسلام وملیت بایران تشریف آورند ویکی از
این دو مرکز مقدس را برخود گزینند وحوزه واجتماع را
مرتب سازند نه چنان حوزهٔ علمیه که بوده وهست
که چندین هزار طلبه از سن پانزده سالگی در گوشهٔ مدرسه
با ماهی پانزده قران در روی حصیر با هزار زحمت
در خرابهای مدرسه که نمی شود شمرد وگفت

چهل سال عمر گران بهای خودشانرا تلف فرمایند و اگر
یکی هم در سن پنجاه سالگی از مدرسه بیرون آید و به یک دهی
یا گوشهٔ قصبهٔ از ایران برود تا آخر عمرش دست نیازمندی
با هزار احتیاج باین مردم باز کند و متحمل چندین مشقت
و خوارها گردد که هیچ انسانی که بهرهٔ از علم و دانائی نداشته
باشد متحمل این خوارها و ذلتها نمیشود و اگر خیلی بر نفس
خود زحمت دهد و در تمام عبادات و اخلاق خود زاهد
و پاکدامن باشد خدمت اسلامش منحصر باین خواهد شد
که امام جماعت گردد و بس . و حال اینکه امام جماعت هم
اختصاص باهل علم ندارد بلکه هر کس که عادل و درستکار
باشد میشود که او را پیشنماز خود کرد   الغرض نه آن
حوزهٔ علمیه که در عددش هر قدر افزوده میشد بدبختانه
در شمارهٔ فقرای عالم اسلامیت و مملکت همان قدر بیشتر
میشد و در واقع یک کارخانهٔ فقرسازی بود با اینکه
چه قدر آثار و اخبار ائمه دین علیهم السلم در منع و نهی از

اینگونه

اینگونه اخلاق است .   امیرالمؤمنین علیه السلم میفرماید
مسلم آنست که دست مزد خودش را بخورد و دست نیاز بدیگری
باز نکند چنانچه خود آن بزرگواران همه کاسب بوده و در
واقع دست مزد خودشانرا صرف مینمودند .   بلکه
پس از اینکه مشهد رضوی علیه السلم یا قم تشریف آوردند
از روی پروگرام صحیح و قوانین درست یک دار الفنون
معظم اسلامی تشکیل بدهند اول از خود نفس علمای
عظام یک هیئت مالیه برای این تشکیل بیابد و وقفیائی
که خصوصی نیست و از برای تأسیس مؤسسات خیریه
برای مسلمین وقف کرده اند   و آن اوقافیکه اکنون
در دست یکمشت گردن کلفتها خرج شهوات نفس ایشان است
که اشرار ناس هستند آنها را   و آن حقوقی را که مسلمین
برحسب وظیفهٔ اسلامیت خودشان همه ساله به علماء
اعلام میرسانند   و کلیهٔ حقوق و وجوهی که شرعاً باید
بدهند و غیر از اینها   همهٔ اینها را آن هیئت مقدسه

کە مرکب از وجود مبارک علمای مرتب ساخته قوهٔ
مالیهٔ آن مقصد یکانه فرمایند وپس از این چنانکه
کفته شد از روی یک برو کرام درست بتأسیس یک
دار الفنون معظم اسلامی اقدام فرمایند ومنقسم به
چندین شعبه نمایند مثل دار الفنونهای بزرک عالم
دریک شعبه دروس دینیه واحکام وقوانین شرعیه
چه راجع به عبادیات وچه معاملات واحکام عقود
وایقاعات مثل کتبی که فعلاً میخوانند ومجلهٔ
احکام عدلیهٔ مینا منذ .
ودر شعبهٔ دیکر مخصوص حکمت آلهیه وعلم کلام از روی
اصول جدید وفلسفه وتاریخ طبیعی عمومی وخصوصی
از قبیل فیزیک وشیمی وتشریح وسایر فنون طبیه
تدریس شود
ودر شعبهٔ مخصوص دیکرش لسان تحصیل شود چه السنهٔ غربی
از قبیل انکلیسی و فرانسوی والمانی وغیره

وچه السنهٔ شرقیه از عربی و فارسی وترکی وغیره
درس کفته شود
ویک شعبهٔ مهم دیکرش مخصوص به تدریس علم حقوق
باشد از قبیل حقوق عمومیه وخصوصیه دول وداخله
وخارجه واداره واقتصاد وحقوق اساسی و
حقوق تجاریه وسایر صنوف علم حقوق تدریس شود
ودر شعبهٔ دیکرش ریاضیات از قبیل هندسه و
حساب وجغرافیا وجبر وکلیهٔ فنون ریاضیه .
که پس از پنج سال هنکامیکه طلبه فارغ از تحصیل شده
بیرون آید یک فیلسوف اسلامی وطوری باشد که از برای
همه کار نظر باستعداد ومعلومات وی تواند مدیر
ورئیس هر ادارهٔ شرعیه وملکیه بشود ودر تمام مهام
امور وسیاسیات مملکت بحق بتواند مشیر ومشار
کردد وبتواند شرف اسلامیت وایرانیت را

گوشزد عالمیان نماید و بتواند فلسفهٔ اسلام و زبان و
علوم شرقیه و اسلامیهٔ خودمان در اقطار عالم نشر و بسط
نماید و بتواند حقوق اسلامیه و ملیهٔ خود را محافظه نماید
و از سیاسیات عالم و آنهائیکه شمردیم و گفتیم آگاه باشد
مختصرش یک تن عالمی باشد که لباس شرافت هر منصب دینی
و ملکی و ملی بر قامت نازنینش آراسته آید و گریبان نفس
خود را از چندین خفت و خواری و مذلت فقر و دریوزه
گری برهانند در نهایت شرف با رضایت خداوندی و ائمهٔ
گرامی دین و با امتنان و کمال تشکر ملت اسلامیه خودش
دست مزد گرفته خدمت بعالم اسلام و دین و ملت و
مملکت نماید بدیهی است که دولت اسلامیه و ملت اسلام
بوجود چنین اشخاص عالم کاردان چه قدر محتاج است
در صورتیکه عالم با احتیاجات امروزهٔ عالم اسلامیت و طریق
رفع آن احتیاجات باشند کیست که احق از آنها باشد
حنیف بر این دین مقدس اسلام و احکام متقنه و
محکمهٔ وی و صد افسوس بر اخلاق این مسلمانان

که فا

که فاسدترین اخلاق ملل عالم شده و سراپا احتیاج صرف شده
در تمام جزئی و کلی از تمام ملبوسات مملکت ما گرفته
تا برسد بکفن مرده‌های مسلمانان و از بزرگترین صنایع
عالم از انواع ماکینه‌ها و فابریکهای محیر العقول تا برسد
بآن جزئی کارخانهٔ کبریت سازی و کاغذ سازی غرض
کدام یک از ملبوس و مأکول و سایر آلات هستی ما از در
و دیوار و آن محیطی که در میان او زندگی مینمائیم بشمارم سرتاپا
همه از غیر و سراسر همه احتیاج است همین کسالت و عار نادانی
و بی حسی ما را تا امروزه بروز سیاه نشانده حتی بسکه بی ننگ
بی شرف هستیم راضی شده ایم که جاروب در خانه و خوراک
ما را هم اجنبی بر عهده بگیرد این است که ما هر قدر جان
بازی در راه حفظ استقلال اسلام بخواهیم بکنیم باید
همان درجه در رفع احتیاجات و بریدن دست نیازمندی
از اجانب کوشش کرده باشیم مدرسه‌های صنایع باز کنیم
مکتب‌های تجارتی افتتاح نمائیم مختصرش هر چیزیکه سبب

سبب ثروت اهل مملکت و بی‌نیازی اسلامیان است یاد بدهیم
این قدر فقرا و بیکاره را از فقر و مذلت برهانیم بدبخت
ملت اسلامیه اصل عنصرش را مرض فقر پوسانیده
هیئت اجتماعیهٔ ایران را وقتیکه ملاحظه میکنیم می‌بینیم
یک مخلوطهٔ فقر و احتیاج شده . یک حصهٔ مخصوص
از ارباب عمائم که نه حظی از شرعیات دارند و نه میتوانند
حفظ شرف آن نوع محترم را نمایند محض در آن لباس
داخل شده اند برای اینکه بیکار بار آمده و به مردم و بندگان
خدا تحکم نمایند و خود را صاحب معرفت بقلم بدهند و
خود را شایستهٔ مرجعیت بامور شرعیه معرفی نمایند و وزر
و وبال بر خود و دیگری بیفزایند و خود را از زحمت سعی
و عمل برهانند و از یک کوره دهی که همه اهلش پنجاه خانوار
نیست می‌بینی اقلاً ده نفر خود را باین سلک انداخته است
اگر کسب کنند و صاحب اخلاق درست بشود چه ضرری دارد
ولی اصلاً تن بر کسب نمیدهند و فکرش این است که در مال
و نفوس و عقاید و عادات مردم خودسرانه تصرف کنند

و موجب هرج و مرج بشود و فقر و افلاس را در مملکت شیوع دهد
و نوع محترم علما را در انظار خارج و داخل خوار نماید .
باطن شرع مطهر ناراضی از اینهاست و از ایشان هیچ خبری ندارد
یک طبقهٔ دیگری مخصوص از نوع محترم سادات است که از
بیکاری و بد اخلاقی کار را بجائی رسانده اند که محترمین
و اجلاء نوع خود را ملحوظ نکرده باعث خواری عموم
میشوند و از جهالت خودشان را در انظار عموم پست‌ترین
طبقات مردم معرفی کرده اند افسوس که از نادانی
شیوهٔ مرضیه و سجیهٔ پسندیده آباء کرام خود را پیش نمیگیرند
تا کی بگوئیم و بنویسیم که مثل ذات مقدس امیرالمؤمنین
علیه السلم اجیر یهودی میشد و کسب میکرد و همچنین ائمهٔ
دین علیهم السلم و بزرگان سادات اعصار سابقه همهٔ این
سجیهٔ پسندیده را داشتند .
و یک طبقهٔ دیگر هم از فقراء هیئت مخصوص از خدام شاه
معتبر است که چقدر تجاوز بر حقوق مردم و بندگان مینمایند
خودشان که بیکاره هستند سهل است از کجا و از اینها همه میدانند

خیلی هم از کار افتاده فقیر میشوند و بعضی از بزرگان و
متولّی که متجاوزترین مردم هستند چه قدر باعث خرابی مملکت
و ملّت میشوند خود را حاکم بر نفوس و ناموس و اموال مردم بیچاره
میدانند اگر در واقع خادم ضرایح مطهّره باشند و از روی
اصول و قواعد باشد البتّه باید از اوقاف اجر و مزد بگیرند
و این بهترین خدمتها و نیکوترین صنعتی که بر خود افتخار بدانند
ولی نه چنین است . و یک طبقهٔ دیگری هم
که در تشکیل فقر سببیّت دارند بعضی از طبقهٔ مرثیه خوانانست
اوّلاً عرض کنم که باتفاق ارباب فن اجماع و دانایان عصر
این طریق تعزیه داری شاهنشاه شهدا خامس آل عبا علیه السلام
از برای بسط عالم اسلامیّت و ترویج طریقهٔ حقّهٔ فرقهٔ شیعه
اولین نکته و بهترین وسیله است چنانچه تمام دانایان
خارجه هم پی باین موفقیّت مهمّه برده اند و پیش بینی کرده
و گفته و میگویند که عنقریب با همین وسیلهٔ معظمه تمام عناصر
اسلامیّه یک عنصر متحد گردد و بلکه نتایج خیلی مهم که
بر این رسم تعزیه داری مربوط است موجب خواهد شد که

خیلی

خیلی موفقیّتی برای ایران و عالم اسلامیّت خواهد شد
ولی در صورتیکه در تحت نظام و اصول صحیح باشد اما
بدبختانه ترتیب این نکتهٔ مهم و کنفرانس همه ساله دین را اینقدر
برهم زده اند که نه گفتنی است . می بینی محض بیکاری کسیکه خبر
از هیچ چیز این عالم ندارد خود را باین سلک انداخته و باعث
وهن این رسم معظّم میشوند کار بجائی رسیده که در ایام محرّم
اکثر شهرهای بزرگ است صاحب مرثیه اقلاً باید از بیست
الی بیست و پنج نفر روضه خوان مجبوراً وعده بگیرد اگر
ده ساعت و دقیقه ای است از بسکه بیک گوره دهی بیست و سی
نفر هجوم می آورند از اول محرّم تا روز عاشورا خود میان
مرثیه خوانها یک جنگ و جدلی است که تاریخ باید هر سال
چندین وقعهٔ کربلا بنویسد بیچاره مردم در دست این طبقهٔ
مخصوص اسیر هستند اگر یک خورده در حق ایشان کوتاهی شود
از بدگوئی و صدمه زدن درباره آنها مضایقه نخواهند کرد
صد افسوس که کاری میکنند که عنقریب آن معنویّت اسلامیّه
و سیاسیّهٔ این امر مهم از میان برداشته شود .

دیگر طبقهٔ دیگرهم از فقراء که مخصوصاً سرایت بر دیگران هم میدهند دستهٔ قلندران و درادیش است که ناشان قلندر نه خان دارند نه مان نه لنگر چو در زاید به کشت و کار گیتی چو شب آید بخشتی دا نهند سر . که خودشان را اقرب الی الله و بهترین بندگان خدا می پندارند خودرا فقرای الی الله نامیده و دست احتیاج بر اجنبی و بومی باز میکنند در ناسوت کیمیا میجویند و در لاهوت لیمیا و در جبروت در پی سیمیا هستند از این غلط کاریها که اسلام و دین مبین ما اسلامیان را بحالت محو و انقراض رسانده اند .

دیگر حصهٔ مهم مملکت ما زنان بدبختند که اگر از روی استاتستیک صحیح حساب کرده شود توان گفت متجاوز از هفده کرور است . این عنصر بیچارهٔ بدبخت نه بهره از علوم و صنایع دارند و نه میدانند علم چیست و نمی شناسند صنعت یعنی چه جز اینکه شوهران خود یا کفیل خودشان را متحمل هزاران مشقت نموده و بخرج گزاف ببیندازند عادات حسنهٔ که نافع بحال مملکت باشند ندارند

رجمی

همین بیکاری طبقهٔ نسوان چقدر موجب فساد اخلاق و زشتی عادات آنها میگردد خودشان که سهل است بچهٔ مسلمین و اولاد ایرانی که در دامن نادانی و بداخلاقی آنها تربیت میشود آن اطفال را هم مثل خودشان بی تربیت و بی اخلاق بار آورده که جز افساد عنصر اسلامی خدمتی بعالم دین و وطن نداراند . و از امیر و حضرت فخر کاینات علیه الصلواة والسلام فرموده (طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة)

از اسباب فقر مملکت یکی هم قسم مخصوص از پارهٔ اغنیاء و ملاکین بزرگ است که در ظاهر بی نیاز ولی در معنی خود محتاج بوده سهل است رعایای بیچاره که در زیر دست همچو ملاکین هستند همه را بفلاکت افلاس انداخته و در بدر و بی خانمان ساخته اند . عنوان ملاک بودن دو جور است یکمرتبه این است که در فلاحت و زراعت ملک اهتمام بخرج داده رعایا را تشویق بر کشت و زرع نمایند و از حیث گاو و تخم و سایر احتیاجات تمام آسوده نماید

در واقع طوری نماید که هم بر خود منافع مالکانه بیشتر برسد
و هم رعایای بیچاره مفلوک نباشند و هم بر دولت چیزی
عاید گردد   دیگر نکته این است که مالک ابداً در این فکر نباشد
اگر عالم بهم خورد گاوش بمیرد تخم نداشته باشد مالک باز
در این خیال است که از بهرهٔ سال گذشته بیشتر بگیرد مالک
باعتقاد اینکه واردات ملک می‌افزاید و روز بروز ترقی
میکند ادارهٔ مخارج خود و مصرف شهوات خود را از اینرو توسیع میکند
و حال اینکه رعیت بیچاره روز بروز مفلوک میشود آن وقت
بی خبر از حال رعیت مجبور میشود که در نفوس و اموال آن
مظلومین تحکم نماید چنانچه حال و دیدن حکام مستبدهٔ
سابق چنین بوده و چنین عادت رذل داشتند عوض
تعمیر بلاد و تکثیر ثروت ملت و تمدید راههای آهن
و احداث فابریک‌جات و تأسیس مکاتب تجارت
و صنایع برای رفع حوایج ملت   رعیت را لخت و عور
نموده و انواع و اقسام ظلم و تعدی را روا میداشتند
بالآخره رعایای بیچاره فلک‌زده فراری شده

به ممالک خارجه

به ممالک خارجه گریخته و تا آخر عمر روی عیال و بچهٔ خود را ندیده
در راههای آهن و این دره و آن دره جان میدهند و به همین
جهة تدریجاً نفوس ایرانیان رو بتناقص گذاشته ، اگر
مدتی کار بدین منوال بگذرد از ایرانی غیر از اسم چیزی دیگر
نخواهد ماند   و یک طبقهٔ دیگر هم اعیانی هستند که
از پیش مصدر خدمت دولتی یا دینی یا ملی بودند که بواسطهٔ
پارهٔ عوارض متقاعد شده باشند که معاش تقاعد بگیرند
و نه اکنون و نه بعد از این یک پول خدمت بدین دولت
خواهند کرد بی اینکه در مقابل خدمت مزد بگیرند صاحبان
مستمریات و مواجبهای گزاف هستند که هر سال باید چندین
کرور از روح و روان زندگی ملت مظلومه کاسته صرف
عیش و شهوات اینها گردد ،   طبقهٔ دیگر هم یک قسم
مخصوص از ایلات است که جز دزدی و راهزنی کاری ندارند .
مواشی و اغنام و بارهای تجارتی و هستی و نیست دهات
و کلیهٔ ثروت دسترد اینهاست و هر چه بدست آرند به قیمت
نازله برده در خارجه میفروشند و تمام عنصر مملکت را

بفلاکت و افلاس دوچار میباشند   یک طبقه دیگر
بعضی نیابت کش و عکام و حمله دار و چاودش ها که در سفر
شریک دزد و رفیق قافله هستند اموال مردم را سلب نموده
و برای مبلغ جزئی مرتکب هزاران فعل شنیع میشوند و هم چنین
دعا نویس ها و مجاورین و ضعفا و فقرا و عجزه که بشمار
نمی آید .   یک طبقه رنگین از فقرا تارکین
دنیا و آنهائیکه صرف بیکار و در زیر هیچ عنوانی نیستند
و نوکرهای لایعد و لایحصی علما و اعیان و خوانین بی شمار
و آنهائیکه فال و طالع دیده و طلسم میکذارند و آنهائیکه
زایچه کشیده و جن احضار کرده و رمل می اندازند
و آنهائیکه میمون رقصانده و مار کرفته و نقالی مینمایند
هر چه از این بیمارهای بیشمار که از نبودن صنعت و کار
روز بروز مثل مرض مسری به عناصر اصلی مملکت اسلامی
سرایت میکند   حالا تصور بفرمائید و درست نفوس
مملکت ایران را بنظر آرید و به بینید اینهمه طبقات فقرا
در کدام محوطه انسانی هست و تصور کنید که حال آن

عدد قلیل و آن جمعی که در مقابل سعی و عمل یک مشت بیچاره
تحصیل ثروت میکنند چه خواهد شد   بدیهی است که از این
عنصر ضعیف که در مقابلش کرورها ارباب احتیاج و نیاز
هست چگونه عنصر یکدولتی بی بضاعت تشکیل یافته و چطور
ادارات آن مملکت فقیر منظم شده   و براه خواهد افتاد
همین روزهای سیاه که امروزه داریم همه از این رویست که
از فقر و افلاس تشکیل هیچ عنصر نمی شود جز از فقر
و افلاس که امروزه ارکان استقلال اسلامیت را
به تزلزل انداخته و ناموس و ملیت در خطر است و تا
غافل هستیم و در پی صلاح نیستیم این وبای مسری
به سایر اعضا و اندام مملکت عزیز اسلامی ما سرایت
خواهد کرد .   پس از این مقدمات معلوم شد که
خادم شریعت مطهره و حافظ شوکت مسلمین آن کسی است
که بیکی از وجوه و طرائق معاونت   چه مالی و چه عسکری
و چه علمی و غیره به سلطنت اسلامی مدد نماید   بدیهی است

که شرع عبارت است از قانون الهی که در مملکت اسلامی
تطبیق باخلاق وعادات وعملیات اسلامیان بشود
پاره از وی راجع بعبادیات شخصیه است مثل نماز وروزه
وغیره وباقی دیگر هم راجع باصلاح امور هیئت اجتماعیه
مسلمین است که اساس وبقای شرع باو است بطوریکه
کیفیت نگهداری آسایش عامه مسلمانان وحفظ
نفوس وناموس آنها از تعدیات اجانب وتجاوزات
اشرار داخلی وخارجی بدون اجراء او صورت نمیگیرد
وبدون وی عمل بسایر احکام موقتی بوده ورو بزوال
خواهد گذاشت وشرع شریف تنها پاره فروعی را
شامل نیست ومراد از وی بعض احکام عبادیه
نیست که حافظ شرع ویا صفت دیگر انحصار بعلمای
فقه واصول باشد بلکه چنانکه گفته شد حفظ دین
وخصوصا در این عصر منوط بوظایف مختلفه است
که وجود یک تن یا بیشتر نمی توانند اداره نمایند که
تا حافظ دین یا خادم شریعت بر آنها صادق آید

چنانکه

چنانکه مکرر ذکر یافت که مصون بودن دولت اسلامیه
وشوکت مسلمین از تجاوزات دشمنان دین منوط
بتشکیل قوای نظامی است وهم چنین تأمین داخله برای
حفظ نفوس واعراض مسلمین مربوط بترتیب پولیس
وژاندارمه است وهیچیک از اینها مرتب ومهیا نخواهد شد
جز اینکه ملت اسلامیه زنده باشند بحیات ثروت
تا اینکه ادارات مالیه آنها مرتب بشود واین هم نمیشود
مگر اینکه امت اسلامیه دارای علم وتجارت وفلاحت
وصاحب فنون وصنایع بوده باشند . پس آحاد مسلمین
هر یک در جای خود خادم شرع ودین وبمقتضای
تفریق وظائف ناصر اسلام ومعین دین هستند
چه طور که علمای عصر وظیفه ایشان تعلیم عقاید وبیان
مسائل است همچنین مسلمین دیگر وظیفه ایشان هم از راه
دیگر خدمت بعالم اسلام وعمل بوظائف اسلامیه خودشان است
همه در عرض همدیگر خادم ومعین وناصر شریعت اند

پس امتیاز اسمی و وضعی برای کسی در میان امت اسلامیه
وجهی ندارد. بلی چیزی که هست آنانیکه وظائف مهمه
عالم اسلام و دولت اسلامیان را در عهده دارند و مسئول
از وظائف ادارات خود هستند بالنسبه محترم و مقدم
از زیر دستان و از مأمورین جزء خود هستند مثلاً
یک هیئت اجرائیه بعبارت دیگر وزرا و حجة الاسلام
مسئول از اعمال خود بمقتضای تقسیم وظایف چون
رشتهٔ مهام امور استقلال عالم اسلام محول به ید کفایت
آنها سپرده شده و از نجات مشکلات امت اسلامیه
مسئول هستند لهذا شرفاً بیش از دیگرانند و همچنین
بمراتب تا برسد بشعبات نازله چنانچه در زمان
حضرت امیرالمؤمنین علیه الصلوٰة والسلم تمامی مأمورین
ادارات از مالیه و قضائیه و عسکریه و غیره در تحت
امر مالک اشتر در مصر و سایر ولاة بودند. بلی
رؤسای اداره حربیه و نظامیه دولت اسلامی

چون حافظ نفوس مسلمین و استقلال دولت اسلامیه
و حارس اصول اسلام و نگهبان امنیت مملکت اند
شأناً و شرفاً مقدم از دیگران است و عند الله و رسوله
اشرف از طبقات دیگر است (و فضّل الله المجاهدین
علی القاعدین اجراً عظیماً) صاحب منصبان تحصیل
دیده و سربازان تربیت شده که حافظین شوکت
اسلامیانند افضل از طبقات دیگر هستند زیرا اگر
قوای حربیه و عسکر نظامی مسلمین نباشد دین
اسلام محو میشود قبلهٔ مسلمین خراب میشود قبر پیغمبر اکرم ص
و قبور ائمه دین ع نابود میگردد و بکلی آثار اسلامیت
منطمس میشود پس خدمتی بالاتر و بهتر پیش خدا و رسول ص
و خلق از این خدمت محترم نیست امام علیه السلم
میفرماید (فالجنود باذن الله حصون الرعیة
و زین الولاة و عز الدین و سبل الأمن
و لیس تقوم الرعیة الا بهم ثم لا قوام لهم الا

بما یخرج الله لهم من الخراج الذی یقوون فی
جهاد عدوهم ثم لا قوام لهذین الا مع القضاة
والعمال ولا قوام لهم الا بالتجار وذوی
الصناعات) می‌بینیم ائمه دین علیهم السلم مقام
سربازی وعسکری را چه قدر تمجید فرموده اند اختصاص
باین یکی دو فقره کلمه حقه آن حضرات ندارد تمام
مقالات ائمه دین قانون اساسی ملت اسلامی
وهم چنین آیات مبارکه کتاب آسمانی (فاعدوا لهم
ما استطعتم من قوة ومن رباط الخیل الایة
اگر این آیه شریفه ملاحظه نمائیم می‌بینیم که مسلمین
اعصار سابقه چه قدر غفلت ازاین تکلیف معظم
اسلامی نموده اند تا اینکه مسلمین باین حال فلاکت
وذلت ودرجه محو وانقراض رسیده اند الغرض
برمیگردیم بسر مطلبی که بیان خواهیم کرد واداین است
که این ایام مثل دانشمند وفرزند فکری ایران در انظار

اروپائیها

اروپائیها یک اهمیت فوق العاده کسب کرده امتیاز آلمانیها
خط آهن بغداد را که از دولت عثمانی تحصیل کرده اند وامیدارد
که بر فکر خط آهن ایران هم بیفتد که شاید خط بغداد را
تا طهران وصل نماید وازاین طرف[۲] روس وانگلیس میخواهند
هیئت مالیه تشکیل داده در اخذ امتیاز راه آهن کوشش نمایند
ودراین خیال‌اند که راه آهنی از ایران کشیده از قفقازیه
وبلوچستان گذشته متصل بهند نمایند ودراین امر با
انگلیسها اتفاق نموده ولذا آنها هم معاونت سیاسی
ومالی طلبیده ودرضمن همه را اغفال کرده واسم خط را
بین المللی گذاشته ودر ملاقات (پوتسدام) وعده
وصل خط بغداد را با ایران با آلمان داده با اینکه میدانیم
اگر روس اغفال انگلیس وآلمان را هم بکند وبمیل و
تحصیل رضای آنها موفق شود وایران را هم مجبور باعطای
امتیاز نماید راه آهن در ایران نخواهد کشید بلکه خیال
روس این است که ایرانیان ازاین نعمت محروم مانده

۲ اداره مالیه

از ترقیات عالم بی بهره و در وادی جهالت و وحشت
حیرانی و سرگردانی بماند پس امروز ایران روی امنیت
و ترقی را نخواهد دید جز اینکه خطوط شمندوفر به تمام
نقاط ایران کشیده شود پس ناچار راهی که توان
از آن راه اسلامیان را باین امر مهم سوق نمود
این است که چنانچه گفتیم علما و مجتهدین که در عتبات متوقفند
و پول ایرانی را که از کثرت فقر و جهالت نزدیک بانقراض است
به کیسهٔ دولت آخر میریزند پس از اینکه تشریف بایران
آرند و پول ایرانی را با ایرانیان صرف نمایند در فکر
یک اثر مهم تاریخی و خدمت معظم اسلامی بیافتند
چون ملت ایرانی بر علمای حقهٔ خود همه گونه توجه داشته
و آنان را طرف امانت و وثوق میدانند در موقعی که
به بینند اقدام بامری کرده و یک فکری را تعقیب مینمایند
که حیات اسلام و احیای ایران بسته باوست در این
صورت سراسر ایرانی از عالی و دانی بزرگ و کوچک

مرد و زن

مرد و زن از هیچگونه معاونت کوتاهی نکرده و از جان و مال
خود مضایقه نخواهند کرد وقتیکه حضرات حجج بایران
تشریف آوردند از برای تسویهٔ مالیهٔ این امر مهم جمعیتی
در تحت ریاست ایشان تشکیل دهند و از ولایات و
ایالات بزرگ ایران از اشخاص محترمین با نفوذ و عارف
به مقتضای عصر دعوت بمرکز اجتماع فرموده جزو جمعیت
خود نمایند و همچنین در تمام ولایات و ایالات و شهرها
و قصبه‌ها و دهات و ایلات شعبه‌های این جمعیت را
تشکیل داده و چند محاسب کاردان برای این امر جلیل بنمایند
آنوقت بلیط‌های مطبوع با نظامنامهٔ مخصوص توزیع
بانواع شعبات نموده و در خیال تمدید خط آهن مسمی
به (راه آهن حسینی) بپردازند که از اسکلهٔ خلیج فارس
گرفته تا شمال ایران ممتد شود و یک شعبه هم بنجفین
وصل شود که از برای تسهیل طریق حجاج بیت الله الحرام
و آسانی راه زوار سید الشهداء علیه السلام و برای ترقی
تجارت و ثروت و ارزانی اسعار و بسط آسایش

در مملکت اسلامی و مصون بودن حدود و ثغور از تجاوزات
دشمنان خارجی از حیث آسانی سوق الجیش بر حدود
در رهیدن از سفالت و ذلالت اقدامات بسی مهم
و چاره الیست حتمی که مزایایش خارج از تصور است که
با اعانه عالم اسلام و معاونت افراد ایرانیان ممکن است
که باین امر تشبث شود این امر اختصاص با ایرانی ندارد
بلکه مسلمین خارجه هم معاونت خواهند نمود بدیهی است
وقتیکه اعانه دهندگان بدانند که تشکیل این اجتماع
از روی اساس صحیح بوده و در تحت نظارت بزرگان
دین و طرف اعتماد مسلمین است و در چنین امر صحیح
حرف خواهش را مضایقه نخواهند نمود اگر بر و غرام
جمعیت با اساس درست بشود میتواند این امر لازمی
را باتمام برساند با اینکه ایرانی بی‌شبهه متجاوز از سی
کرور است اگر ردهیم دیگر آدمی سه تومان معاونت نماید
نود کرور میشود و علاوه زوار حضرت سید الشهداء علیه السلم
که از ناامنی طرق و عدم وسایط نقلیه صحیح سالی

چندین

چندین هزار نفر بدرود زندگانی میکنند که حضرت باین وضع
راضی نبوده اگر دو سال مصارف خود را در این اعانه نمایند
مبلغ خطیری میشود اگر بی‌شبهه در مقدمات تحمیل اعانه اقدام
صحیح شود عموم عالم اسلام معاونت خواهند نمود (مثل خط
آهن حجاز) و این قیاس بآن نمیشود بواسطه اینکه او
سالی یکدفعه واردات دارد ولی این دولو اینکه یک
الینکاه کشیده شود در تمام سال کار خواهد کرد بلکه اگر
یکمقداری از این راه کشیده شود با واردات او میتوان
باقی را بپایان رساند در هر صورت چنانچه گفته شد
اگر اقدام صحیح باین امر بزرگ بشود این فکر بموقع مغلیت
رسیده و این اثر تاریخی و خدمت اسلامی محققاً درست
خواهد شد و واعظین و روضه خوانها در تمام اجتماعات
بلاد مسلمین را تشویق باین امر مهم اسلامی نموده و خود
حضرات حجج الاسلام و علمای اعلام از هیچگونه تبلیغات
اسلامیه فروگذاری نفرمایند و بلکه آن ملایا

در آن زمان عثمانیه [illegible]
به انضمام [illegible]
باید [illegible] علاوه
و [illegible]
نمود [illegible]
سرویه [illegible] ازان
[illegible] علیحده
لطف عمیم [illegible]
[illegible] بنماید
و تحمیل [illegible]
ایران قرار داد [illegible]
[illegible]
کردند اگر [illegible]
سلطه مقتدر [illegible]

(۲) بمناسبت [illegible]
(۱) [illegible]

ونذورات مالی که سالها به جیب خدامها یا دیگری ریخته
میشود در این مصرف صرف نمایند وسالی مبالغ گزافی
که بقند و چائی روسی در تعزیه داری صرف میشود و قلب
نازنین صاحب شرع را مجروح مینماید (حضرت صادق
علیه السلم میفرماید وَکلما یتقوی به الکفر وهو
حرام بیعه وشرائه) در حالتیکه اگر درست تحلیل
شود صرف قند و چائی خود صدمه بزرگیست باسلام
وخود ائمه دین ع متأذی از این هستند که ما مسلمانان
جاهل تقویت کفر کرده وسبب محو و فلاکت مسلمین بشویم!
صرف قند و چائی در تعزیه داری اگر معمول ایران
وبا تجارت مسلمین بشود ثواب دارد نه غیر وعلاوه
تعزیه داری خامس آل عبا علیه السلم که حقیقتاً مصیبت
مسلمین است مناسبت با شیرینی خورانی ندارد حضرت
میفرماید درخصوص زواری بزیارت حضرت سید الشهدا
علیه السلم مشرف شده بودند فرمود (لا تذودون خیر من

اَن تذودون) یعنی اگر بزیارت بیایند بهتر از آمدنشان است
رادی پرسید گرم شکست یابن رسول الله این چه کلامی است
حضرت فرمود خدام گرسنه وتشنه شهید شده اینها در منازل
وراه ها برای خود حلوا ترتیب میدهند . الغرض خدمتی
که در تشریف فرمائی علماء به ایران بعالم اسلامیت است
منحصر به یکی دو تا نیست تصور فرمایند که بواسطه مهاجرت
علما که خود امری است مستحب سالی چندین کرور ثروت
وروح ایران کاسته میشود واین مملکت بدبخت اسلامی
که حفظت وی حفاظت ناموس اسلام واز اهم
واجبات است از اینرو دچار فلاکت وفقر میگردد که
قطعاً ائمه دین ع رضا ندارند که یک سلطنت مخصوص
شیعه ویک هیئت استقلالی واجتماعی خاص آل محمد ص ع
که با خون ملیون ها فداکاران اسلام تأسیس شده
دچار مشکلات بلکه آفات انقراض گردد بدیهی است
که آبادی یک ایالت عراق وعرب وثروت اهالی

ایشان همه از چندین سالیان دراز در سایهٔ توقف
علمای اعلام و مجاورت ایرانیان از ثروت ایران
فلاکت زده است اگر رجوع به بودجهٔ مالیهٔ عثمانی
نمایند سالی یک ملیون و هفتاد و پنج هزار غروش از جنایز
ادارهٔ صحیه رسم می گیرد و حال آنکه نقل جنایز شرعاً
معلوم نیست که جایز باشد و بلکه منافات با اعتقاد مذهب
شیعه دارد (یا حار همدان من یمت یرنی) از این
جزئی جزئی قیاس آن کرورها و ملیونها را که با
واسطه یا بلاواسطه بدون اینکه در مقابل عوض
داشته باشد از هستی ایران مفلوک به جیب اغیار
ریخته میشود بلی درصورتیکه استقلال مملکت ایران
مصون از تجاوزات اجانب باشد مجاورت متحجره را
محذوری نیست اما درحالیکه محوطهٔ اسلامی دچار
خطرات و هزاران مشکلات است و از یکطرف به
واسطهٔ تقویت خودمان تجاوز بر خاک و حقوق ما

میشود

میشود و غفلت از اینکه تیشه را خود بر ریشهٔ خود میزنیم هیچ عاقل
تصدیق نخواهد کرد که آن خویشتن را بهلاکت انداخته
دیگری را آنهم خارجی زنده نماید . و مطلب دیگر هم
اینجاست که خیلی جالب دقت است که برای ایرانیان مسئله
حیات و ممات را تشکیل میکند و آن این است که وقتیکه
هزاران آقایان طلاب بنا شود در مکانی توقف فرمایند
و در جائی تحصیل نمایند که غیر از اشتغال با مورات عبادیه
شخصیه منظوری ندارند و در محیطی تربیت شوند که اساس
آن مکان برای اشخاصی تعیین شده که مراحل زندگانی را
طی نموده منتظر آمدن حضرت عزرائیل و تلبیه گفتن میباشند
قهراً موجب غفلت از حال اسلام و اسلامیان خواهد شد
و هیچگونه از ضعف و انحطاط اسلام و ادبار و فلاکت
ایرانیان مطلع نخواهند شد زیرا که در آن محیط جز صرف
تمام وقت خود به عبادات و دوری از معاشرت و اعراض
از دنیا اشتغالی ندارند آنوقت همین اشخاص

هنگامیکه باوطان خود مراجعت نمودند با علاقه که میان
ایرانیان وعلمای خودشان هست همهٔ عناصر اسلامیه را
مثل خود تربیت خواهند کرد و قهراً ملت را نظر به تربیت
محیطش جز از دعوت به تارک دنیائی و اعراض از
امورات نوعی دعوت ونصیحت دیگری نخواهند کرد
شبهه نیست که این امر امروزه چقدر بر حیات عالم اسلام
وعناصر مسلمین مضرت دارد ملت ایران هر قدر بخواهد
پا بجادهٔ ترقی وتکامل بگذارد وحیات سیاسی واقتصادی
وپولیتیکی خود را از چنگال دشمنان برهاند این قسم
از تربیت مانع خواهد شد در هر صورت بی‌شبهه اقامت
آن محیط نخواهد گذاشت که علمای اسلام از حیث موازنه
عالم اسلام منورالافکار باشند پس وظیفهٔ اسلامی
که بر مقتضیات امروزه بر قائدین امت متوجه است
این است که یک آن اول مجاورت ومحل اقامت خود را
بتدیل به یکی از دو مرکز مقدس مشهد رضوی ۴

یا معصومهٔ قم

یا معصومهٔ قم بلکه بمناسبتی قرب قم بمرکز بهتر است فرمایند
وحوزهٔ علمیه را چنانکه پیش ذکر یافت به ترتیب دارالفنون
تشکیل داده و هر سالی از این فلاسفهٔ اسلامی که از دار
الفنون بیرون می‌آیند هر سالی پس از تکمیل تحصیلات
علمی ودینی خود جمعیتی به دارالفنون ومدرسه‌های بزرگ
اروپ اعزام فرمایند واز ترقیات محیرالعقول دول
اروپائی آگاه شده بچشم دیده وشوکت آنان را مشاهده
کرده آنوقت خواهند دانست که حفظ اسلام نه آن جوری
بوده که بعضی زعم کرده‌اند وآنوقت خواهند فهمید
که از چه راه باید حفظ اسلام واسلامیت را توان کرد
وچه طور باید به حیات عالم اسلام واسلامیان پرداخت
حکومت ایران را است هر چه زودتر پی باین نکتهٔ دقیق
برده وملتفت باشند که هرگونه تشبثات ومجاهدات
آنها عقیم خواهد ماند جز اینکه این خدمت یکی آن اول

سر بگیرد از قارئین محترم متمنی هستیم که پیش وجدان و
دیانت مقدسهٔ اسلام این کلمات را محاکمه نمایند
و این حقایق اسلامیه را تدقیق نمایند هر چند بی ترتیب
و به پریشانی مرقوم یافت باز با پریشانی این همه موجبات
ضعف دین و انحطاط ملت ایران و تزلزل استقلال
اسلامیت تا بدرجهٔ مشعر بوده انشاالله تعالی در این
موضوع مهم یعنی (حقوق العالم علی الملة الاسلامیة
و حقوق الملة علی العالم) یک اثر مستقل استدلالی در
دست است از خداوند موفقیت میخواهیم که با تمام برسانیم
و خدمتی به عالم اسلام کرده باشیم فمنه الاستعانة
و علیه التکلان .

افسوس که آن نسخهٔ نفیسه
لکن از ایران بیرون نرفته
مشغول شود برای طبع
و انتشار و نشر و ...
و با فتنهٔ بیجا
صدور بعض حوادث
طبع آن بتعویق
افتاد و از دست
رفت

الحمدلله که عمر کنونی ملت ایران معاصر با وجود قائدین
حقهٔ اسلام مثل ذات محترم حضرت آیة الله آخوند
ملا محمد کاظم خراسانی و حضرت آیة الله آقای حاجی
شیخ عبدالله مازندرانی که در واقع پی به ضعف عالم
اسلام و انحطاط مسلمین برده و در طریق نجات و ترقی
عالم اسلامیت از هیچ گونه ادای وظائفنا آن درجه که
بنظر مبارکشان رسیده فروگذاری نفرموده اند و در
اجرای وظیفهٔ شرعیهٔ خود از لوم لائمین مکدر نشده
و فتوری بر خود راه نداده اند (جزاهم الله عن الاسلام
خیر الجزاء) چون در ایفای حقوق مسلمین که در
ذمهٔ خود دارند به اندازهٔ استحضار مضایقه نفرموده اند
یقیناً این درجه اقدامات حقه که در احیای اسلامیت
و ترقی ایرانیان فرموده اند منظور نظر شارع مقدس
بوده و شایسته این است که سایرین هم که خود را قائدین
امت پنداشته تبعیت از حضرت مولی المتقیان

امیرالمؤمنین علیه السلم نموده که فرمود (خجالت میکشم
ازاینکه مرا رئیس مسلمین خطاب بکنند ودر شدائد
آنها شریک نباشم) آنها هم خودرا در شدائد ملت
مظلومه سهیم وشریک دانسته ریاست را تنها دراخذ
وجوه که وظیفهٔ یکنفر عجوزهٔ منحصر نفرمایند واگر
واقعاً قائلی منافات بامداخله بامورات ملت
اسلامی دارد تصرف درحقوق وانزوا واعتزال
بطریق اولی منافات شدید دارد .

سنه ۱۳۱۸
[illegible]

١٩

٢٣٨٩٠